



«تعیین مزد پر اساسی خط فقر» از نگاه محمد رضا پادامچی؟

تحولی به سمت کاهش نابرابری

صفحه ۴



محمد مهاجری: «از تیم هزاران نفره مان کی شوت بزنند؟»

اصولگرایان و حسرت بزرگ «وحدت»

صفحه ۳

مصائبی که نمایندگان مجلس سر تامین اجتماعی آوردند

بحرانی که ریشه در قانون‌گریزی‌ها دارد

صفحه ۶

وقتی وضعیت قرمز اقتصاد، سکوی پرش به صندلی سبز پارلمان می‌شود:

سوپرمن‌های قلبی

صفحه ۵

تحریم انتخابات، علاج دردهای کارگران نیست



سهیلا جلودارزاده

در سال‌های اخیر اتفاقات زیادی را پشت سر گذاشتیم که بازندگی کارگران ارتباط مستقیم داشت؛ از مشکلات کارگری تا افزایش نامناسب دستمزدها. معتمد آرزوی مردمی که در سال ۱۵۷۷ از فرودگاه تا بهشت‌زهر را پیاده رفته بودند تا سخنان امام خمینی (ره) را بشنوند، این بود که در جامعه عدالت، آزادی و استقلال وجود داشته باشد. آرزوی ما این بود که ۱۷ شهریورها، بازداشت‌ها و بگیر و ببندها متوقف شود.

بیش از چهار دهه از انقلاب سال ۵۷ می‌گذرد. به عنوان یک فعال صنفی - سیاسی اعتقاد دارم که متأسفانه مشکلات کارگران نه تنها پایان نیافته بلکه در مواردی افزایش هم یافته است. این در حالی است که در طول سال‌های جنگ و با وجود اقتصاد جنگ و شرایطی که بر کشور حاکم شده بود، خانواده‌ها از شرایط نسبتاً عادلانه‌تری برخوردار بودند و به همین دلیل بود که مردم جوانانشان را به جبهه‌های جنگ می‌فرستادند. در سال‌های بعد و با تسلط گرایش‌هایی که توجهی به برابری مردم جامعه نداشتند، حقوق کارگران آرام آرام ضایع و ضایع‌تر شد. حال سوال اینجاست که وظیفه ما به عنوان یک کارگر

یا کنشگر صنفی چیست؟ آیا باید در انتخابات شرکت نکنیم یا شرکت در انتخابات، نتایجی برای ما داشته است. نگاهی به سیر حوادث از مجلس پنجم به این سو که من افتخار نمایندگی مردم تهران را در برهه‌هایی داشتم، حقایقی را نشان می‌دهد.

از مجلس پنجم که من فرصت نمایندگی مردم را داشتم مسائلی نظیر بیمه کارگران یا جلوگیری از تغییر قانون کار در مجالس موضوع بحث بوده است. به یاد دارم برای تشکیل مجلس ششم انتخابات خوبی برگزار شد و افرادی باسواد که از مشکلات مردم درک درستی داشتند به مجلس راه یافتند. با وجود این، در این مجلس و به‌رغم همکاری‌هایی که وجود داشت باز هم نتوانستیم سه‌جانبه‌گرایی در زمینه سازمان تامین اجتماعی را محقق کنیم و این سازمان که گردش ثروت عظیمی دارد، زیرمجموعه وزارت رفاه شد.

در مجالس هفتم، هشتم و نهم و در نبود فراكسیون قدرتمند کارگری مسائلی برای کارگران و منافع آنان رخ داد که هنوز هم آثار سوء خود را بر زندگی این قشر انداخته است. در مجلس دهم اما یک فراكسیون قوی کارگری تشکیل شد و ما توانستیم گام‌هایی را در راستای گرفتن حق کارگران برداریم، از جمله اینکه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در برنامه ششم گنجانده شد و در صورت پرداخت طلب تامین اجتماعی این طرح امروز هم اجرا می‌شود.

البته باید گفت با این همه مشکلات ریز و درشتی که هست، هر گاه فرصت کنند سراغ کارگران و

بازنشستگان می‌آیند و به ضرر آنها کار می‌کنند. نمونه آن طرح واگذاری بانک رفاه بود که برای دو سال مانع از اجرای آن شدیم یا موضوع واگذاری شستا که با مشکلاتی روبه‌روست.

سازمان تامین اجتماعی بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی کشور است و هیچ‌بنگاهی به اندازه این سازمان پول و گردش مالی ندارد؛ برای همین مدام برای صندوق، برای بیمارستان‌های آن، شرکت‌ها و بانک آن نقشه می‌کشند اما اگر با هم باشیم اجازه این دست‌اندازی‌ها را نمی‌دهیم.

معتمد رفاه برای ملت اهمیت ویژه‌ای دارد. امروز بیش از هر زمان نیاز به مجلسی داریم که برای رفاه و راحتی کارگران و برقراری عدالت تلاش کند. اگر در انتخابات شرکت نکنیم همانند مجالس هفتم و هشتم، شاهد ظهور مصوباتی علیه کارگران خواهیم بود. در همین مجالس نهم و دهم نیز از روزی که برنامه ششم را نوشتیم، دست‌هایی در کار بودند که می‌خواستند تامین اجتماعی را زیر نظر بهداشت و درمان ببرند، ولی به دلیل وجود صدای کارگران در مجلس، این اقدامات ناکام ماند.

معتمد ما باید در انتخابات شرکت کنیم. ما نمی‌خواهیم به زور حق خودمان را بگیریم. جمهوری اسلامی را سر کار آوردیم که بتوانیم حرف بزنیم، اما در این رهگذر، ایستادگی ما اهمیت زیادی دارد. اگر کارگران هیچ‌و هفت تپه ایستادگی نمی‌کردند، کارخانه‌ها به نابودی کشیده می‌شد. نظام ما جمهوری است و ما رای می‌دهیم تا فضا را تغییر بدهیم.

در پایان باید گفت جامعه کارگری بیش از همه اقشار در سال‌های اخیر ضربه خورده است. با این همه به باور من، ما نباید انتخابات را تحریم کنیم. باید بایستیم و حق مان را بگیریم. از رد صلاحیت‌های رخ داده متأسفیم، اما می‌دانیم با پشت کردن به مخالف به هیچ‌جا نمی‌رسیم.



محمد مهاجری: «از تیم هزاران نفره‌مان کی شوت بزند؟»

اصولگرایان و حسرت بزرگ «وحدت»

محبوبه‌ولی

«از تیم هزاران نفره‌مان کی شوت بزند؟» این کنایه محمد مهاجری، چهره رسانه‌ای اصولگراست که به دوستان اصولگرایش زده است. بعد از اینکه دعوا بر سر ارائه لیست در اردوگاه اصولگرایان بالا گرفت، او در صفحه توئیتری خود نوشت: «روزی که امام انقلاب در باره جناح راست گفت «نمی‌توانید یک نانویی را با اداره کنید» بهمان برخورد و احم کردیم. او اما امروزمان را می‌دید. در انتخابات، افراد تیم مقابل یا غایبند یا بی‌مق. دروازه هم خالیست. اما ما به جان هم افتاده‌ایم که از تیم هزاران نفره‌مان، کی شوت بزند! این است عرضه ما؟» وقتی او این توئیتر را می‌نوشت، جبهه پایداری یک لیست داده بود، بعد شورای ائتلاف هم لیست خود را منتشر کرد، قالیباف و حامیان با ادعای کیفی نبودن لیست، با آن مخالفت کردند و لیستی تحت عنوان «یاران قالیباف» منتشر شد.

تبی که حاج منصور و رائفی پور راه گرفت

تب لیست جدا دادن به حاج منصور ارضی هم رسید و این مداح مشهور در بیانیه‌ای اعلام کرد: «با توجه به مراجعات مکرر در چند ماه اخیر و از آنجا که لیست‌های ارائه شده مدنظر طیف وسیعی از دلسوزان انقلاب اسلامی نیست، در فرصت باقی‌مانده لیستی از عناصر انقلابی و کارآمد با حمایت هیأت‌های مذهبی و عزیزان حزب‌اللهی و دردمند نظام ارائه خواهد شد.»

نه تنها حاج منصور، بلکه حتی علی اکبر رائفی پور هم ظاهراً کمر همت به دادن لیست بسته بود اما گلایه کرد که جلوی او را گرفته‌اند. این سخنران محبوب و البته جنجالی و پرحاشیه اصولگرایان پس از آنکه قالیباف از لیست شورای ائتلاف اعلام برائت و عزم دادن لیستی جدید کرد، در توئیتری نوشت: «مردم این روزها و این آدم‌ها را به خاطر بسپارید! صد نفر را واسطه فرستادند که شما لیست مجزا نده و وحدت را حفظ کن، قول می‌دهیم شرایط شما (شفافیت، کارآمدی و جوانگرایی) لحاظ شود! حالا هر که از مادرش قهر کرده می‌خواهد لیست جداگانه‌ای بدهد. ظاهراً فقط من می‌توانم وحدت را به هم بزنم!»

او ادامه داد که «اصولگرایان نگرانند مبدا در انتخابات لیست بدهم و موجب تفرقه در جامعه رأیشان شوم و اخیراً دست به اقدامات بچه‌گانه‌ای زده‌اند که همه را شفاف خواهیم کرد.»

مذاکرانی که با اتهام

«سهام خواهی» به پایان رسید

خلاصه تشنت در جبهه اصولگرایان، از مداح و سخنران تا رجل سیاسی و مقامات سابق و فعلی چنان بالا گرفت که شورای ائتلاف اعلام کرد لیستش نهایی نیست و قابل تغییر است.

قالیباف هم خطاب به جبهه پایداری توئیتی منتشر کرد و گفت که لیست را نهایی نکردیم تا به توافق و ائتلاف برسیم. اما درخواست آقاتهرانی و صادق محصولی، دبیر کل و قائم مقام جبهه پایداری، حذف قالیباف از لیست نهایی بود.

آنچه در حال وقوع بود، اتفاقی بود که از مدت‌ها قبل قابل پیش‌بینی بود.

فارس نوشت که قالیباف اعلام کرده حاضر است از لیست کنار برود و مستقل در انتخابات شرکت کند اما شورای ائتلاف این پیشنهاد را نپذیرفت. در پی شکست این مذاکرات هر یک از این گروه‌ها، دیگری را متهم به سهم خواهی کرد و بدین ترتیب آخرین تلاش‌ها برای وحدت هم ناکام ماند.

بی‌عرضگان سیاسی در راه مجلس

محمودرضا امینی، فعال سیاسی اصولگرا پیش از تعیین تکلیف لیست اصولگرایان، به موج گفته بود: «اگر اصولگرایان ائتلاف نکنند، بی‌عرضگی سیاسی خود را نشان خواهند داد و این یعنی اینکه آنها هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده‌اند.»



نگرانی دیگر این روزها مربوط به امتداد افتراق اصولگرایان به درون مجلس است. اگر آنگونه که پیش‌بینی‌های می‌گویند، اصلاح‌طلبان بازنده رقابت انتخابات اسفند باشند و اصولگرایان پیروز میدان شوند، باید منتظر جنگ‌های درون گروهی متعدد و دامنه‌دار در میان وکلای مجلس یازدهم بود

نهایتاً روز ۲۵ بهمن، این بی‌عرضگی سیاسی خود را نشان داد؛ جبهه پایداری و شورای ائتلاف دو لیست جداگانه ارائه کردند و رویای آن وحدت بزرگ باز هم محقق نشد.

اما علاوه بر جبهه پایداری، قالیباف که مدت‌هاست با علم «نواصولگرایی»، ساز ناکوک با یاران اصولگرایی خود می‌زند نیز مایه نگرانی برای اصولگرایان شده است تا جایی که اکنون به‌رغم حضور وی در لیست شورای ائتلاف، بسیاری مطرح می‌کنند که باید منتظر ماند و دید که آیا قالیباف تا آخرین روز به شانا وفادار خواهد ماند یا نه؛ پنداری که وحدت برای اصولگرایان طلسم شده است. آخرین تلاش آنها برای ائتلاف

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ نیز با شکست مواجه شد و تشکیلاتی که تحت عنوان «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» یا همان جمناراه افتاده بود تا وحدت‌آفرین باشد با تاخت و تاز گسترده اصولگرایان، از هم پاشید. اکنون شانا جای آن را گرفته که آن نیز نتوانست همه اصولگرایان را زیر پرچم خود جمع کند.

«گناهی بزرگ و نابخشودنی»

حالا بازیگران اصولگرایی انتخابات مجلس که در زمین بی‌رقیب بازی می‌کنند، این نگرانی را در دوستان خود ایجاد کرده‌اند که مبدا با یک گل به خودی، بازی را ببازند. حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان به دنبال همین تشنت‌ها به اصولگرایان هشدار داده که ارائه چند لیست انتخاباتی از سوی آنها «گناهی بزرگ و نابخشودنی» است.

او ادامه داده که «اگر اصولگرایان با دو یا چند لیست وارد صحنه انتخابات شوند، خیل عظیم نیروهای حزب‌الله و وفادار به انقلاب را دچار سردرگمی و دلسردی می‌کنند و منجر به پراکندگی آرا خواهند شد.»

پارلمان پاره پاره

اما گذشته از پراکندگی آرا و آشفتگی رأی‌دهندگان، نگرانی دیگر مربوط به امتداد افتراق اصولگرایان به درون مجلس است. اگر آنگونه که پیش‌بینی‌های می‌گویند، اصلاح‌طلبان بازنده رقابت انتخابات اسفند باشند و اصولگرایان پیروز میدان شوند، باید منتظر جنگ‌های درون گروهی متعدد و دامنه‌دار در میان وکلای مجلس یازدهم بود. مرتضی طلائی، چهره آشنای اصولگرا در همین باره اخیراً به «نامه‌نیوز» گفته است: «با چنین وضعیتی نتیجه انتخابات هر چه باشد نباید انتظار یک فراکسیون قوی اصولگرایی در مجلس را داشت و احتمالاً شاهد چند فراکسیون اعم از پایداری‌ها، عدالت‌خواهان، طرفداران آقای احمدی‌نژاد و... خواهیم بود. اکنون که هنوز کسی وارد مجلس نشده وضعیت اینگونه است قطعاً در مجلس اختلافات بیشتر می‌شود و فراکسیون‌ها متعدد خواهد شد». این اظهارات و پیش‌بینی‌ها در حالی است که اغلب تحلیلگران سیاسی معتقد بودند که مجلس آتی با توجه به اینکه اکثریتی از اصولگرایان را خواهد داشت، مجلسی یکدست خواهد بود اما حالا با این اختلافات به نظر می‌رسد مجلس یازدهم، مجلسی پاره پاره از اصولگرایان خواهد بود.

«تعیین مزد بر اساس خط فقر» از نگاه محمدرضا بادامچی؛

تحولی به سمت کاهش نابرابری

برای تعیین حداقل مزد، باید خط فقر را اول ببینیم، بعد حداقل دستمزد را تعیین کنیم. وقتی بدون در نظر گرفتن و لحاظ کردن خط فقر، رقمی از حداقل مزد به جامعه ارائه می‌دهیم و روی تصمیمات خود هم می‌ایستیم، خواه ناخواه بر تولید اثر می‌گذاریم

همچنین بعد از مصوب شدن قانون مشاغل نو بیش از ۳۰۰ هزار شغل ایجاد شده است.

■ مشکلات اقتصادی مثل تورم‌های سنگین، اقشار با درآمد پایین از جمله کارگران را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، به نظر نمی‌رسد که سال آینده بهبودی در وضعیت اقشار مزدبگیر رخ دهد. به نظر شما حاکمیت به معنای مجموع قوای کشور، چه راه‌هایی برای حل مشکلات این اقشار دارند؟

کارگران ما سنگ زیرین آسیاب جامعه هستند که بیشترین زحمات و مشقات بر آنها تحمیل می‌شود. حداقل مزد باید بتواند حداقل‌های یک فرد را تامین کند. وقتی خط فقر نرخ موضوعی متفاوت با آن را نشان می‌دهد، این شرمی است که بر پیشانی همه مسئولان و تصمیم‌گیران می‌نشیند. باید توجه کنیم وقتی خط فقر را تعریف می‌کنیم، حداقل مزد را کنار آن بگذاریم و این مزد باید از خط فقر چاق‌تر شود تا بتواند پاسخگو باشد. نمی‌توانیم کارگر را زیر خط فقر نگاه داریم و حداقل مزدی را برایش تعیین کنیم که زیر آن باشد.

مسئولان ما هنوز متوجه نیستند که به این قشر باید در این باب توجه کنیم. نباید در این حد نسبت به نیازهای معمولی کارگران بی‌توجه باشیم. خط فقر و حداقل مزد بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد با هم فرق دارند. این یکی از نقیصه‌هاست. برای تعیین حداقل مزد، باید خط فقر را اول ببینیم، بعد حداقل دستمزد را تعیین کنیم. وقتی خط فقر را نمی‌بینیم و بدون لحاظ کردن خط فقر، رقمی از حداقل مزد به جامعه ارائه می‌دهیم و روی تصمیمات خود هم می‌ایستیم، خواه ناخواه بر تولید اثر می‌گذاریم، بر نارضایتی جامعه می‌افزاییم و به یاس و ناامیدی اقشار زحمت‌کش و خانواده‌هایشان که در مراحل آموزشی و رشد هستند، بیش از پیش دامن می‌زنیم.

باید حواس‌مان باشد که این قشر مظلوم و زحمت‌کش و ساکت از روی نجابت حرف نمی‌زند و صدایشان بیرون نمی‌آید، اما ما باید عاقلانه برخورد کنیم. شورای عالی کار وقتی می‌خواهد حداقل مزد را تعیین کند، خط فقر را ببیند. چانه‌زنی هم نمی‌خواهد. خط فقر جامعه را ببیند و بعد حق حداقل مزد را برای کارگران، زحمت‌کشان و تولیدکنندگان جامعه بر آن اساس تعریف کند. وقتی می‌خواهیم مسائلی را حل کنیم صورت مساله را باید جدی ببینیم نه اینکه بخشی از آن را پاک کنیم و نبینیم و چشم‌مان را ببندیم و بعد تصمیم بگیریم.

شاید ۳۵ تا ۴۰ درصد افراد جامعه ما درآمدهای زیر دو میلیون تومان دارند و این نقص است. اینها افرادی هستند که زحمت می‌کشند و از صبح تا تاریکی شب برای تولید و اعتلای این کشور تلاش می‌کنند. نمی‌شود چیزی را تعریف کنیم که با واقعیت مطابقت ندارد. در نظام جمهوری اسلامی مسئولان باید صورت مساله را درک کنند. این یکی از روشن‌ترین بخش‌ها است و استدلال چندانی نمی‌خواهد و خیلی روشن است. امیدوارم امسال بتوانیم این نقیصه را تا مقداری حل و فصل کنیم نه اینکه باز هم مغفول بماند.

«محمدرضا بادامچی» در حال حاضر با عنوان یک چهره سیاسی اصلاح‌طلب، عضو شورای مرکزی حزب اسلامی کار و نماینده تهران در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی شناخته می‌شود، اما نگاهی به سوابق اجرایی و سیاسی وی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از فعالیت‌هایش در حوزه روابط کار، تامین اجتماعی و اشتغال بوده است. از این رو با وی درباره معضل بیکاری و وظایف دولت و مجلس برای اشتغال‌زایی به گفت‌وگو نشستیم.



خروج کارآفرینان و نخبگان جامعه از بازار کار نیز مساله‌ای دیگر است که احتمال دارد مهاجرت‌های خارج از کشور متعلق به این قبیل افراد باشد. جوانان تحصیل کرده‌ای که جویای کار و زندگی بهتر هستند راهی دیگر کشورها می‌شوند. اینها نقیصه‌های اشتغال و بازار کار ماست؛ اما به نظر من بزرگترین ضایعه در این میان بی‌توجهی به آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای است که بازار کار از این موضوع بسیار تحت آسیب است.

■ طرح‌های متعددی برای اشتغال‌زایی در کشور اجرا شده است، اما پاسخ و خروجی مناسبی از آنها نگرفته‌ایم. با توجه به اینکه بیکاری بیش از همه جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را در تنگنا قرار داده، چه راهی را برای حل این معضل بزرگ اقتصادی پیشنهاد می‌کنید؟

نیروی انسانی کشور ما تحصیل کرده هستند. حدود ۲۰ میلیون جمعیت تحصیل کرده و دانشجو در کشور داریم و جامعه ما از نظر علمی یکی از پایدارترین کشورهای دنیا از نظر ارائه علم و مقالات و نسبت جمعیت تحصیل کرده‌ها به جمعیت کل است. با تکیه بر این جمعیت و توانایی، باید مشاغل دانش‌بنیان را همان‌طور که در برنامه‌های بالادستی‌مان آمده بیش از پیش حمایت کنیم و سهولت اشتغال در این مسیر را هموارتر کنیم. الان در کشور از بیکاری گسترده جوانان و به ویژه بانوان رنج می‌بریم و این بزرگترین معضل کشور ماست که می‌توانیم با پتانسیل‌هایی که مشاغل دانش‌بنیان دارند و با تکثیر اشتغال از این سمت سریع نتیجه بگیریم.

سال ۸۹ ما قانون مشاغل جدید را مصوب کردیم. از آن تاریخ تا الان توانسته‌ایم ۴۷ مرکز پارک فناوری در کشور ایجاد کنیم. بیش از ۶۰۰ مرکز رشد در کشور ایجاد شده که به کمک دانشگاه‌های برتر کشور تشکیل شده‌اند. این یکی از فن‌آورانه‌ترین بخش‌هایی است که به آن توجه شده است.

■ با وجود تاکید مداوم مسئولان اجرایی و قانون‌گذاری بر اشتغال‌زایی، فارغ‌التحصیلان بسیاری در رشته‌های مختلف داریم که نمی‌توانند در رشته خود یا حتی در فضایی غیر از تخصص خود مشغول به کار شوند. به نظر شما، کلاف سردرگم بیکاری چگونه شکل گرفته است؟

وضعیت اشتغال نابسامان است. تحریمی که بر کشور تحمیل شده و تورم و گرانی که برای کشور پیش آمده، مستقیم و غیرمستقیم اشتغال را نشانه رفته است. تحریم به طور ویژه اشتغال مربوط به عرصه تکنولوژی و فناوری را مورد هدف قرار داده است و در نتیجه واحدهای تولیدی تحت فشار هستند. فن‌وری‌های قدیمی آنها نیاز به بازسازی دارند، اما تحریم و وضعیت اقتصادی این اجازه را نمی‌دهد. این یکی از تنگناهای اشتغال است، ولی در کنار اینها باور داریم که باید ذخایر کشورمان، تحصیل‌کردگان و کارآفرینان کشورمان را به مسیر صحیح هدایت کنیم.

متأسفانه در سال ۹۵ از ۲۴ میلیون شاغل در کشور تعداد ۸۱۶ هزار نفر کارآفرین داشتیم، اما این میزان نسبت به سال ۸۵ حدود ۳۰ درصد کاسته شده بود یعنی در سال ۸۵ بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار کارآفرین داشتیم اما ۱۰ سال پس از آن، کارآفرینان کشورمان تحت فشارهای اقتصادی و سایر مشکلات به ۸۱۶ هزار نفر رسیدند. این خلأیی است که در روند ایجاد اشتغال در کشور ما وجود دارد. اقتصاد بیمار ما از یارانه‌هایی که به آن تحمیل شده نیز بی‌تاثیر نیست. امسال ۸۰۰ هزار میلیارد تومان به اقتصاد ما به صورت یارانه پنهان و آشکار تحمیل شده است و غنی و ضعیف از آن استفاده می‌کنند. این رقم در هزینه‌ها دیده می‌شود، ولی در رشد اقتصادی کشور دیده نمی‌شود، چون بهره‌وری پایین است. وقتی کارآفرین در جامعه مورد توجه نیست، بهره‌وری را نمی‌توان ارتقا داد. باید تلاش کنیم بهره‌وری را ارتقا داده و هزینه‌های خود را کم کنیم. آمارهای اشتغال کشور را که بررسی می‌کنیم می‌بینیم که از سال ۹۴ تا ۹۷ حدود ۹۸۰ هزار نفر به نیروی فعال کشورمان اضافه شده است، اما در بهار سال ۹۸ به این تعداد نه تنها اضافه نشد بلکه حدود ۵۰ هزار نفر هم کاهشی بوده است. تفسیر این آمار نشان می‌دهد که تعدادی از افراد کار خود را از دست داده‌اند، تعدادی نیز از یافتن کار ناامید شده‌اند و دیگر به بازار کار مراجعه نمی‌کنند.



وقتی وضعیت قرمز اقتصاد، سکوی پرش به صندلی سبز پارلمان می‌شود؛

سوپرمن‌های قلابی

سایه محتشم

شعار داشتن برای رقابت در انتخابات، سال‌های ابتدایی انقلاب چندان باب نبود. انتخابات مجالس اول و دوم همچنان متأثر از فضای انقلاب بود و رقبای انتخاباتی نیز مشترکاً همان شعارهای کلیدی انقلاب را برای انتخابات تکرار می‌کردند. سال ۶۶ اما در آستانه انتخابات مجلس سوم، وقتی مجمع روحانیون مبارز با انشعاب روحانیون چپ‌گرای به رهبری مهدی کروبی و محمد موسوی خوئینی‌ها از جامعه روحانیت مبارز جدا شد، با هویتی مستقل در انتخابات مجلس شرکت و برای خودش یک شعار مستقل هم دست و پا کرد؛ «اسلام پابرهنگان».

گرچه این عنوان «اسلام پابرهنگان» نیز برگرفته از سخنرانی‌های بنیانگذار انقلاب بود، اما به هر حال شعاری مستقل در انتخابات، برای خط‌کشی و مرزبندی با سایر گروه‌ها قلمداد شد. در واقع منشعبین نوپای جامعه روحانیت قصد داشتند خود را با شعارهای عدالت‌خواهانه، مساوات‌جویانه و دفاع از محرومین و مستضعفان به مردم معرفی کنند. ۳۰ سال از آن سال و شعار «اسلام پابرهنگان» گذشت و رسید به عنوان «۹۶ درصدی‌ها» در انتخابات ریاست‌جمهوری که ذیل آن محمدباقر قالیباف تأکید می‌کرد اقتصاد کشور و همه نعمات آن تنها در دست چهار درصد مرفه‌بی‌دراست و ۹۶ درصد بقیه بی‌بهره‌اند.

این اقتصاد بداقبال، دهه‌هاست که دارد جور سیاست و ایضا انتخابات را می‌کشد. احوالش هر سال دروغ از پار سال است و هر چقدر هم که اوضاعش خرابتر می‌شود، بیشتر ملعبه «رای آوری» است

ملعبه «رای آوری»

در واقع این اقتصاد بداقبال، دهه‌هاست که دارد جور سیاست و ایضا انتخابات را می‌کشد. احوالش هر سال دروغ از پار سال است و هر چقدر هم که اوضاعش خرابتر می‌شود، بیشتر ملعبه «رای آوری» است. از همین روست که هر بار در آستانه انتخابات عده‌ای سوپرمن قلابی برای نجات اقتصاد ظهور می‌کنند و وعده‌های شاخدار می‌دهند و در بوق و کرنا می‌کنند که چنین می‌کنیم و چنان می‌کنیم و وقتی انتخابات تمام می‌شود و چند صباحی می‌گذرد، رفته رفته نقاب سوپرمن فرو می‌افتد و همان عجز و بی‌کفایتی‌های همیشگی رخ می‌نماید.

غلامرضا مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همین چند روز پیش با بیان اینکه اقتصاد ایران برای شکوفایی نیازمند نقشه راه مشخص و دقیق است، گفته است که «با اجرایی شدن نقشه راه اقتصادی می‌توان ظرف دو تا ۱۰ سال اقتصاد ایران را تا ۱۰ کشور اول جهان بالا کشید!» او توضیح داده که «اگر بانک مرکزی مستقل می‌شد ما با رشد تورم مواجه نمی‌شدیم، اگر صندوق ذخیره ارزی دچار برداشت‌های بی‌حساب و کتاب نمی‌شد الان ذخیره ارزی بهتری داشتیم، اما از دوره‌های این حساب ذخیره ارزی بدل به حساب جاری شد و مدام از آن برداشت‌هایی انجام می‌شد.» گرچه این اظهارات بهترین خوراک برای انتخابات است؛ اما قدری تأمل آشکار می‌کند که اتفاقاً تمام چهره‌هایی که این روزها نقاب سوپرمن اقتصادی به چهره زده‌اند، سال‌ها و دهه‌ها در مصدر قدرت بوده‌اند. مصباحی مقدم از چهره‌های اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در دوره‌های هشتم و نهم عضو مجلس بوده، اتفاقاً رئیس کمیسیون اقتصادی هم بوده است و تالیفات متعدد اقتصادی

دارد و قطعاً می‌داند چه عواملی منجر شده که برداشت‌های بی‌حساب و کتاب از صندوق ذخیره ارزی شود و بانک مرکزی نیز مستقل نشود.

نه تنها او بلکه بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران نظام و کارشناسان اقتصادی نیز می‌دانند که افات اقتصاد در ایران چنان ریشه‌دار و چنان زیربنایی است که زیر و رو کردن آن اساساً نه در اختیار و نه در توان نمایندگی مجلس است. با این حال از آن جایی که وعده‌های اقتصادی برای مردمی که زیر فشار تحریم و تورم، کمر خم کرده‌اند، دلپذیر است، کاندیداها آن را خرج این روزهای دم انتخابات می‌کنند.

سربلند» که از سوی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب برای انتخابات مجلس به حضورتان معرفی شده‌اند، هدفش تشکیل مجلسی است که بتواند شعار «نجات اقتصاد ایران» را محقق سازد.»

اتفاقاً حداد عادل نیز سابقه نمایندگی در مجلس ایران را دارد و حتی یک دوره هم رئیس مجلس بوده است. همان زمان بود که در گفتگو با خبرنگاری فرانسه تصریح کرد: «ایران را به یک ژاپن مسلمان تبدیل خواهیم کرد.» قالیباف هم برای بیش از یک دهه تهران و اقتصادش را در دست داشت و همگی کارنامه روشنی از «عرضه» اقتصادی دارند و مشخص نیست این بار با کدام اکسیر معجزه‌آسا، قرار است بتوانند اقتصاد را نجات دهند.

تا لحظه نگارش این سطور، اصلاح‌طلبان لیست خود را معرفی نکرده‌اند اما قطعاً آنان نیز دست بر «اقتصاد» خواهند گذاشت، چرا که اساساً آنها هم به دنبال «رای» هستند و نکته



سوپرمن، منم

این روزها اقتصاد ایران در آستانه انتخابات مجلس یازدهم، دوران بی‌سابقه‌ای از فلاکت را تجربه می‌کند و به همین نسبت هم شعار اقتصادی در حال حاضر «رای آوری» شعار موجود است؛ حتی اگر به قیمت جدایی از دوستان باشد. حالا که بار درصلاحت گسترده اصلاح‌طلبان و البته ضعف عملکرد آنها در مجلس و دولت، عرصه رقابت به طور تام و تمام در دست خیل وسیع اصولگرایان افتاده است، هر یک از آنها در پی این است که به جماعت رای دهند بگوید آنکه نگران معیشت و اقتصاد شماست، منم نه دوستان اصولگرایم! هفته گذشته وقتی شورای ائتلاف لیست ۳۰ نفره خود را در تهران معرفی کرد، محمدباقر قالیباف که در صدر این لیست بود، توثیب کرد و نوشت: «من به شما وعده داده بودم که دغدغه مجلس آینده همان دغدغه مردم یعنی اقتصاد است. لیستی که به نام بنده اعلام شده است، مورد تأیید نیست.» محمد صالح مفتاح، چهره رسانه‌ای نزدیک به قالیباف و مدیر مسئول سایت فردانپوز گفت که «اشکال نخست این لیست، آن است که در این فهرست اولویت‌های اصلی یعنی مسأله اقتصادی کشور در نظر گرفته نشده و تعداد بسیار اندکی از اعضای آن دارای تخصص اقتصادی هستند که دو نفر از آنها که احتمالاً نه به دلیل سابقه اقتصادی بلکه به واسطه اینکه چهره بودند یا در فرآیندهای سیاسی انتخاب شدند، در لیست قرار گرفتند.»

کارنامه مردودی مدعیان

عاقبت لیست نهایی شورای ائتلاف اصولگرایان در تهران روز ۲۵ بهمن با عنوان «ایران سربلند» و باز هم با سرلیستی قالیباف منتشر شد که شعار آن «نجات اقتصاد ایران» است. غلامعلی حداد عادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی پس از انتشار لیست، طی اظهاراتی خطاب به مردم حوزه انتخابیه تهران، شمیرانات، ری، اسلامشهر و پردیس، تأکید کرد: «فهرست «ایران

مهم اینکه کارنامه اقتصادی آنها و ناکارآمدی‌شان در مجلس دهم نیز مشخص است. علی قنبری، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس درباره همین شعارها و وعده‌های اقتصادی به فرارو گفته است: «اینکه کسی بیاید و بگوید می‌تواند وضعیت اقتصادی را در جایگاه نماینده مجلس سر و سامان دهد، از دیدگاه بنده به دور از واقعیت است و بیشتر این سخنان را می‌توان عوام فریبانه و دارای مصرف انتخاباتی دانست.»

رقابت قانون‌شکنان

برای ورود به نهاد قانونگذاری

هم‌زمان با این سبک عوام‌گرایانه برای دستیابی به صندلی‌های سبز پارلمان، برخی دیگر هم طور دیگری از اقتصاد برای خودشان و سیاستشان خرج می‌کنند. روزنامه جمهوری اسلامی در یکی از شماره‌های اخیر خود مطلبی درباره دادن شام و ناهار و آجیل و اقلام خوراکی بین مردم برخی روستاها و مناطق محروم منتشر کرد و ذیل آن نوشت: «بعضی از داوطلبان در نشست‌هایشان با مردم از عملکرد مدیران انتقاد و قول مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی می‌دهند و به کارمندان وعده‌های حل مشکلات تعاونی‌های مسکن ادارات و اعزام آنان به سفرهای زیارتی و تفریحی به کشورهای خارجی می‌دهند. بعضی از تعاونی‌های مسکن سال‌هاست تلاش می‌کنند زمین‌های کشاورزی و اراضی ملی را تغییر کاربری دهند که در این خصوص طبق آمار اعلام شده ۶۰ درصد زمین‌های کشاورزی اردبیل تا سرعین خریداری شده و بلا تکلیف در اختیار تعاونی‌های مسکن ادارات در انتظار تغییر کاربری است که برخی داوطلبان فعلی در زمان خرید آن زمین‌ها مدیر دستگاه‌های ذی‌ربط بودند.» همین چند سطر، حکایت روشنی است از این واقعیت: آنان که امروز وعده نجات اقتصاد می‌دهند، همان‌هایی هستند که دیروز جای دیگری و روی صندلی‌های دیگر به جان اقتصاد افتاده بودند و حالا ادای سوپرمن درمی‌آورند.

مصائبی که نمایندگان مجلس سر تأمین اجتماعی آوردند

بحرانی که ریشه در قانون گریزی‌ها دارد

نسرین هزاره مقدم

تأمین اجتماعی، مهم‌ترین اندوخته و سرمایه کارگران است. این سازمان بین‌نسلی و تمامی زیرمجموعه‌های آن از بانک رفاه گرفته تا شستا، حاصل دست‌رنج تاریخی نسل‌های متوالی از طبقه کارگر ایران است که با انباشته شدن حق بیمه‌های کارگران، آجر روی آجر بالا رفته و به اینجا رسیده است؛ اما این سازمان بیمه‌گر پایه که طبق آخرین آمار رسمی، ۴۳ میلیون و ۱۷۱ هزار و ۳۹۷ نفر را در کشور تحت پوشش دارد، در آستانه بحرانی جدی قرار دارد. عدم پرداخت بدهی‌های انباشته دولت به سازمان که به گفته کارشناسان تا پایان سال ۹۸ به مرز ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، پایین بودن نرخ اشتغال رسمی و شناسنامه‌دار که موجب پایین آمدن ورودی‌های این سازمان شده و همچنین اغتشاش و قانون‌گریزی برآمده از مقررات دایمی‌ها در دهه‌های اخیر که منجر به کاهش حق بیمه پرداختی توسط کارفرمایان شده، همگی تأمین اجتماعی را در آستانه بحران جدی منابع و مصارف قرار داده است؛ بحرانی که به گفته «کبر شوکت»، عضو کارگری هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی، اگر در سریع‌ترین زمان ممکن برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، تبدیل به یک ابربحران

عدم پرداخت بدهی‌های انباشته دولت، پایین بودن نرخ اشتغال رسمی و شناسنامه‌دار و اغتشاش و قانون‌گریزی برآمده از مقررات دایمی‌ها در دهه‌های اخیر که منجر به کاهش حق بیمه پرداختی شده، تأمین اجتماعی را در آستانه بحران جدی منابع و مصارف قرار داده است

اجتماعی و اقتصادی و احتمالاً سیاسی خواهد شد. باید در نظر بگیریم در سال ۹۷ برای اولین بار در چند دهه گذشته، ضریب پشتیبانی این صندوق (نسبت خروجی‌ها به ورودی‌ها) به شدت کاهش یافت و به زیر ۵ (حدود ۴.۷) رسید. براساس استانداردهای اتحادیه جهانی تأمین اجتماعی (ISSA) اگر ضریب پشتیبانی یک صندوق بیمه‌ای به زیر ۵ افول کند، یعنی چراغ قرمز روشن شده و وضعیت صندوق، «بحرانی» است. حال پرسش اینجاست که در این بحران به وجود آمده بجز مولفه‌های تعدیل ساختاری که منجر به بی‌نظمی و اغتشاش در حیطه روابط کار شده‌اند و دولتی که هیچ اقدام موثری برای تادیه بدهی‌های خود به سازمان نکرده است؛ چقدر نمایندگان مجلس تقصیر کار بوده‌اند؟

از زمان تاسیس سازمان تأمین اجتماعی در سال ۵۴، بسیاری از مصوبات و خروجی‌های مجلس شورای اسلامی به ضرر سازمان تأمین اجتماعی بوده است. در بررسی این مصوبات اصطلاحاً ضد تأمین اجتماعی، به چند مورد اساسی برمی‌خوریم: اول از همه، تغییر ساختار مدیریتی سازمان تأمین اجتماعی و کوتاه کردن دست کارگران و نمایندگان آنها از مشارکت موثر در اداره سازمان قرار دارد. بعد از آن می‌توان از تلاش برای حذف ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی که به کاهش چشم‌گیر ورودی‌های سازمان انجامیده، نام برد و در نهایت، شاید مضرترین اقدام مجلس، در نظر نگرفتن اعتبار کافی در بودجه‌های سالانه برای پرداخت بدهی دولت به سازمان و سپس عدم نظارت بر تأمین همین اعتبار ناکافی در طول سال باشد.

تغییر ساختار مدیریتی سازمان تأمین اجتماعی
پیش از سال ۱۳۸۳ ترکیب ۱۵ نفره شورای عالی تأمین

اجتماعی، متشکل از ۸ نماینده دولت، ۴ نفر از نمایندگان کارفرمایی و ۳ نفر نماینده کارگری بود. به شهادت تاریخ و نمایندگان کارگری و کارفرمایی؛ این شورای سه‌جانبه در زمینه مدیریت سازمان بسیار اثرگذار و راهگشا بود؛ اما پس از آن با تلاش و همت مجلس شورای اسلامی، شورای عالی بدل به هیات امناء شد؛ هیات امنایی که در آن، کارگران دست پایین را دارند. نصف به علاوه یک نفر از ترکیب هیات امنای تأمین اجتماعی را وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب می‌کند که این موضوع موجب شده هیات امناء، تمام و کمال تحت‌اراده وزرای رفاه باشد.

اما اصلاح ماده ۱۱۳ قانون خدمات کشوری در سال ۱۳۸۹، تیر خلاصی بود که مجلس وقت به پیکره مدیریتی سازمان تأمین اجتماعی وارد آورد. در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و چگونگی تعیین مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌های درمانی که با عنوان طرح دوفوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۲/۵ و تأیید شورای نگهبان ابلاغ شد. این اصلاحات، ترکیب هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی را این‌گونه تعیین کرد: ۶ نفر با پیشنهاد وزیر رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و ۳ نفر باقیمانده، مطابق جزء (۲) بند «الف» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از نمایندگان خدمات‌گیرندگان.

با این حساب، بعد از سال ۱۳۸۹، هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی ۹ نفره شد که از این ۹ نفر، ۶ نفر دولتی، یک نفر نماینده کارفرمایان، یک نفر نماینده کارگران و یک نفر نماینده انجمن‌های صنفی کارگری است. مهم این است که براساس اصلاحات مجلس؛ نمایندگان معرفی شده از سوی کارگران و کارفرمایان باید حتماً به تأیید وزیر رفاه برسند و اگر تأیید نشوند، باید افراد جدیدی که وفق نظر وزرای رفاه هستند، از سوی تشکلهای کارگری و کارفرمایی معرفی شوند تا وزیر حکم انتصاب آنها را صادر کند!

با این تغییرات صورت گرفته توسط مجلس شورای اسلامی، عملاً کارگران در اداره اموال خودشان هیچ اختیاری ندارند. «علی دهقان کیا»، رئیس کانون کارگران بازنشسته تهران در این رابطه می‌گوید: در حال حاضر دولت در نهاد عمومی غیردولتی یعنی سازمان تأمین اجتماعی که باید به صورت سه‌جانبه اداره شود، همه‌کاره است و به همین دلیل

است که وضعیت سازمان براساس آمار و ارقام مناسب نیست. او ادامه می‌دهد: به عنوان نمایندگان بازنشستگان از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس انتظار داشتیم با توجه به اینکه اصلاح ساختار سازمان تأمین اجتماعی در این کمیسیون در دست بررسی است، قبل از پایان مجلس دهم، این اصلاح ساختار در صحن علنی مطرح و به تصویب برسد تا کارگران بتوانند در اداره سازمان دخیل شوند.

اما متأسفانه این انتظار کارگران و بازنشستگان از نمایندگان مجلس دهم برآورده نشد. در واقع مجالس قبل‌تر، ساختار را به هم ریختند و آن را به ضرر کارگران مغشوش کردند، اما مجلس فعلی نیز هیچ تلاش اثرگذاری برای رفع این به‌هم‌ریختگی صورت نداد!

تلاش‌ها برای حذف ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی

در سال‌های گذشته، ادوار مختلف مجلس، به بهانه رونق کسب و کار و کمک به تولید، تلاش‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای در حمایت از کارفرمایان صورت داده‌اند که در نهایت، برآیند و نتیجه این تلاش‌ها چیزی جز کاستن از سطح ورودی سازمان و کاهش منابع ریالی آن نبوده است.

ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی می‌گوید: «در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کار انجام یافته تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول کند.»

با استناد به همین ماده قانونی، تأمین اجتماعی در قراردادهای پیمانکاران، ضرایبی را بابت حق بیمه قرار می‌دهد و تنها به لیست‌های ارسالی کارفرمایان برای تعیین مبلغ حق بیمه اکتفا نمی‌کند. تلاش مجلسی‌ها همیشه این بوده که این ماده محل استناد قرار نگیرد و تنها لیست‌های ارسالی کارفرمایان، مبنای تعیین حق بیمه باشد. واضح است که اگر فقط خوداظهاری کارفرمایان مبنای تعیین حق بیمه باشد و ضرایب قراردادهای پیمانکاری مبنای قرار نگیرد، مبلغ دریافتی سازمان بسیار کاهش خواهد یافت. در واقع، روال این‌گونه است که ضرایب قراردادهای پیمان‌ارسی کارفرما مقایسه می‌شود و در نهایت هر یک از این مبالغ که بیشتر بود به عنوان ملاک برای دریافت حق بیمه منظور می‌شود که این روش ضریب اطمینان بسیار بالایی دارد و تا حدود زیادی از خطا و قانون‌گریزی مبرا است؛ اما لابی‌گری‌های کارفرمایان موجب شده که مجالس وقت، همواره علم مخالفت با این رویه را در دست بگیرند.

ادامه در صفحه ۷



در حال حاضر دولت در نهاد عمومی غیردولتی یعنی سازمان تامین اجتماعی که باید به صورت سه‌جانبه اداره شود، همه‌کاره است و به همین دلیل است که وضعیت سازمان براساس آمار و ارقام مناسب نیست



ادامه از صفحه ۶

اولین اخلال در سال ۱۳۸۶ با تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی در مجلس شورای اسلامی ایجاد شد که مهلتی پنج‌ساله داشت و به نفع کارفرمایان عمل می‌کرد. در سال ۱۳۹۱ قانون جدیدی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این قانون «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات» نام داشت که در ماده ۱۴، سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرده بود تا حق بیمه کارکنان قراردادهای ارائه خدمات اجتماعی را صرفاً بر مبنای لیست آرسالی پیمانکار دریافت کند و این سازمان را از دریافت حق بیمه این قراردادها برحذر داشته بود.

نمایندگان مجلس بار دیگر در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید، این موضوع را مورد تأکید قرار دادند. نمایندگان مجلس در ماده ۴۰ این قانون یک تبصره به ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی اضافه کردند. این تبصره بیان می‌دارد که مبنای مطالبه حق بیمه در مورد قراردادهایی که دارای کارگاه‌های ثابت هستند و موضوع اجرای بیمه توسط افراد شاغل در همان کارگاه انجام می‌شود، صرفاً باید براساس فهرست آرسالی و بازرسی کارگاه دریافت شود.

با این حال و به رغم اینکه مصوبات پی‌درپی مجلس، راه قانون‌گریزی و فرار از پرداخت حق بیمه را برای کارفرمایان باز می‌گذاشت، باز هم نمایندگان مجلس به دنبال حذف کامل و صددرصدی ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی بودند و این طرح را در همین مجلس دهم به بحث و بررسی گذاشتند که در نهایت، بعد از مخالفت‌ها و کنشگری‌های متعدد کارگران و بازنشستگان و نمایندگان آنها در تشکلهای عالی کشوری، در چهاردهم مردادماه ۹۷، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس عنوان کرد که «کمیسیون بهداشت با طرح حذف ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی مخالفت کرده و لاجرم این طرح از دستور کار خارج شده است». این در حالیست که به گفته «علی اصغر بیات»، رئیس کنون عالی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی کشور، حذف ماده ۴۱ موجب ورشکستگی کامل سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد چرا که ۲۰ تا ۳۰ درصد منابع سازمان از ماده ۴۱ تأمین اجتماعی به دست می‌آید.

نمایندگان همواره در بزنگاه‌های حساس پایان سال که سهم نهادهای از بودجه‌های سالانه تعیین می‌شود، تأمین اجتماعی را در پایین‌ترین اولویت قرار داده‌اند و به این ترتیب، آینده کارگران و بازنشستگان را به سادگی به خطر انداخته‌اند

اعتبار ناکافی برای پرداخت بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی

«اکبر شوکت»، عضو کارگری هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی در مورد میزان بدهی دولت به سازمان می‌گوید: «بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال جاری (سال ۹۸) خیلی راحت به ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. دولت سالانه بین ۲۷ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی جدید برای سازمان ایجاد می‌کند که در واقع، رقم درست همان ۳۰ هزار میلیارد تومان است و می‌تواند مبنای مادر محاسبات قرار بگیرد. حال

اگر فقط ۷ سال گذشته از دولت روحانی را در نظر بگیریم که در این بازه، دولت یک ریال از بدهی خود را به سازمان نپرداخته و عدد ۷ را در بدهی سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومانی ضرب کنیم، بدهی همین ۷ سال ۲۱۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. این فقط مبلغ بدهی ایجاد دولت در ۷ سال دولت تدبیر و امید است. اگر بدهی قبلی را به این رقم بیفزاییم، خیلی راحت به عدد ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسیم. در نظر بگیرید که این رقم بدون احتساب سود بدهی محاسبه شده و اگر سازمان بخواهد مطالبات خود را به نرخ «حق بیمه روز» دریافت کند، رقم بدهی خیلی بیش از اینها می‌شود. فرض کنید سازمان بخواهد

مطالبه خود را از دولت براساس نرخ حق بیمه ۹۸ دریافت کند که البته مطالبه‌های کاملاً قانونی است، رقم بدهی بیش از ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می‌شود».

او در ارتباط با اهمال در بازپرداخت این بدهی انباشته نیز چنین می‌گوید: «پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی به عنوان یک الزام در برنامه ششم توسعه آمده است. در لایحه بودجه ۹۸ نیز ۵۰ هزار میلیارد تومان از پرداخت بدهی دیده شده بود؛ اما نمایندگان آمدند یک عبارت «با اولویت تأمین اجتماعی» را به متن آن اضافه کردند. این مبلغ قرار بود به عنوان بدهی به تأمین اجتماعی پرداخت شود، اما وقتی نمایندگان مجلس «با اولویت تأمین اجتماعی» را به بند بودجه افزودند، یک ریال از ۵۰ هزار میلیارد تومان نیز به سازمان پرداخت نشد. در واقع همین افزودن نمایندگان، باعث شد مبلغی به تأمین اجتماعی ندهند و این کار بزرگ‌ترین ضربه را به سازمان زد. علاوه بر این، همین نمایندگان مجلس در بررسی لایحه بودجه ۹۹ نیز باز هم فقط ۵۰ هزار میلیارد تومان بابت پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی در نظر گرفتند. با وجود اینکه یک ریال از ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه ۹۸ به حساب سازمان واریز نشد، نمایندگان به هیچ‌وجه دولت را برای عمل به وظیفه قانونی خود و پرداخت بدهی تحت فشار نگذاشتند و باز هم دوباره، فقط ۵۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت در سال بعدی در نظر گرفتند؛ رقمی که هیچ پشتوانه و تضمینی برای پرداختش وجود ندارد! علاوه بر این، دولت هر ساله برای ۸۰ میلیون جمعیت کشور یک سرانه درمان علاوه بر بودجه‌های جاری درمانی اختصاص می‌دهد (بودجه‌های جاری درمانی صرف ساخت و تجهیز مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، پرداخت حقوق و دستمزد کادر درمان و خدماتی مانند این می‌شود) اما یک ریال سرانه درمان به ۴۰ میلیون نفر جامعه کارگری ندادند. وزارت بهداشت در همه ۳۰ سال گذشته، سرانه درمان کارگران را به جیب زده و برای خودش هزینه کرده و مجالس وقت نیز همواره بی‌تفاوت از کنار این مساله گذشته‌اند! عدم پرداخت بدهی انباشته دولت به سازمان تأمین اجتماعی، همیشه توسط نمایندگان مجلس نادیده گرفته شده است. موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. همین نمایندگان همواره در بزنگاه‌های حساس پایان سال که سهم نهادهای از بودجه‌های سالانه تعیین می‌شود، تأمین اجتماعی را در پایین‌ترین اولویت قرار داده‌اند و به این ترتیب، آینده کارگران و بازنشستگان را به سادگی به خطر انداخته‌اند.

لیستی که ختم نمی‌شود!

لیست مخاطره‌آفرینی‌های مجلس برای سازمان تأمین اجتماعی به همین‌ها ختم نمی‌شود. تلاش‌های مکرر برای عرضه سهام بانک رفاه (تنها بانک عامل کارگران و منبع مالی قابل اتکابرای سازمان تأمین اجتماعی) و شست‌و‌پوش بورس، تلاش برای جداسازی سهم درمان از تأمین اجتماعی و انتقال آن به وزارت بهداشت و همچنین موافقت با در دستور کار قرار گرفتن طرح تحول نظام سلامت که سالانه حداقل ۱۰ هزار میلیارد تومان بار مالی بر دوش سازمان تأمین اجتماعی می‌گذارد؛ از مواردی هستند که در حداقل ۳۰ سال گذشته، سلامت و آتیه سازمان تأمین اجتماعی را در معرض خطر جدی قرار داده‌اند. حال با چنین پیشینه‌ای چطور می‌توان امیدوار بود که نمایندگانی که به مجلس یازدهم می‌گذارند - با هر پیشینه سیاسی که باشند، فرقی ندارد - دغدغه

تأمین اجتماعی را داشته باشند و اگر خیری به سازمان نمی‌رسانند، حداقل شرفشان دامان این ابربیمه‌گر کشور را نگیرد؟!





گفت و گو با علیرضا محبوب در مورد نقش انفعالی مجلس در گرانی بنزین

«مجلس دیگر در رأس امور نیست» را قبول ندارم



پیام عابدی

آبان ماه سال جاری می‌توانست مانند تمام ماه‌های سال ۹۸، عادی و بدون حاشیه از تقویم عبور کند؛ اما اعمال افزایش قیمت بنزین، خواب را از سر آن براند و حواشی گسترده‌ای را ایجاد کرد. براساس اعلام دولت، تصمیم افزایش قیمت بنزین از سال ۹۶ گرفته شده بود، اما اعتراضات دی‌ماه ۹۶ موجب انصراف دولت از اجرای این تصمیم شد. با این حال آبان ۹۸، تصمیم افزایش قیمت بنزین به منصفه ظهور رسید و اعتراضات و حاشیه‌های بسیاری به دنبال داشت. خبر افزایش قیمت بنزین، به سرعت با خبر توزیع درآمدهای حاصل از آن، به شکل پول نقد پیوند خورد. مردم حالا نمی‌دانستند که باید خوشحال باشند یا غمگین، باید اعتراض کنند یا نکنند. گویی که به دنبال سیاست توزیع پول، نوعی انشقاق میان موافقان و مخالفان افزایش قیمت بنزین ایجاد شد. یکی از نهادهایی که این انشقاق در آن تجلی ویژه‌ای یافت، مجلس شورای اسلامی بود؛ زیرا نهادی که خود باید در حوزه قانون‌گذاری جریان‌سازی کند، تحت تأثیر تصمیمی قرار گرفت که شورای عالی سران قوا، اتخاذ کرد.

نمایندگان مجلس امیدوار بودند که افزایش قیمت بنزین را مدیریت کنند، اما دولت و در کل سران سه قوه که رئیس مجلس هم عضوی از آنهاست، با سرعت مدیریت اوضاع را از دست مجلس خارج کردند و اجازه مانور دادن را از آن گرفتند؛ هر چند مجلسی‌ها هم در عمل نشان داده بودند که به دلیل نگرانی از تبعات اجتماعی افزایش قیمت بنزین و ریزش آرای خود، در جهت افزایش قیمت بنزین، قدمی بر نمی‌دارند. در حالی که دولت با کسری بودجه‌ای عظیم و ناتوانی در دریافت مالیات از ثروتمندان مواجه است و باید به طرقی درآمدهای پایدار برای خود ایجاد کند، اما این موارد تنها

صورت قضیه است. نمایندگان مدعی هستند که قرار نیست دولت تمام درآمدهای خود را صرف تأمین معیشت مردم کند و از سویی میزان درآمدهای خود را به صورت واقعی عنوان نمی‌کند. «علیرضا محبوب»، رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان است که مخالف افزایش قیمت بنزین بود و تأکید داشت که تصمیم دولت در دو بعد افزایش قیمت بنزین و پرداخت درآمدهای حاصل از آن، مبنای اقتصادی و عقلانی ندارد. وی دولت روحانی را ادامه‌دهنده راه دولت محمود احمدی‌نژاد می‌داند و می‌گوید انتقادی که به احمدی‌نژاد وارد بود به روحانی هم با همان شدت وارد است. محبوب در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» ابعاد بیشتری از عدم مداخله مجلس در تنظیم قیمت بنزین را واکاوی می‌کند و شرح می‌دهد که چرا این گفته که «دیگر مجلس در رأس امور نیست» را تأیید نمی‌کند.

بحث اصلاح قیمت بنزین از پایان سال گذشته تا همین امروز، که با شما صحبت می‌کنیم همچنان نقل محافل است. عده‌ای می‌گویند این کار به سبب کسری بودجه بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت در سال ۹۸، باید انجام می‌شد اما بیشتر آنها تقریباً از نحوه تصویب و اعمال شبانه آن گلایه دارند و می‌گویند اگر نمایندگان مجلس منفعل نبودند، شورای عالی سران قوا مسئول تصویب این مهم نمی‌شد. آیا با این تفسیر موافق هستید که مجلس دیگر در رأس امور قرار ندارد؟ این حرف‌ها را قبول ندارم.

من از چیزی صحبت می‌کنم که مشاهدات و شنیده‌های همگی ماست. حتی شماری از نمایندگان قصد داشتند به خاطر دور زدن مجلس استعفا بدهند. شماری هم به رئیس مجلس نامه نوشتند و پرسیدند چرا تصمیم شبانه سران قوا را به موقع به ما اطلاع ندادید؟ عنوان کردن این مسائل از سویی اطلاعی است، آن هم به یک دلیل بسیار مشخص. آنچه که در مورد بنزین اتفاق افتاد، عمل به قانون بود. منظور قانون هدفمندی یارانه‌هاست. بر این اساس قرار شد که قیمت حامل‌های انرژی تا ۹۰ درصد فوب خلیج فارس افزایش یابد. بر این اساس عواید افزایش

قیمت حامل‌های انرژی باید صرف گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی، فقرزدایی، پرداخت یارانه به واحدهای تولیدی و... شود. همه می‌دانند که آقای احمدی‌نژاد بانی این کار بود و ما هم از اول با آن مخالف بودیم.

طبق قانون، عواید افزایش قیمت حامل‌های انرژی باید صرف گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی، فقرزدایی، پرداخت یارانه به واحدهای تولیدی و... شود. همه می‌دانند که آقای احمدی‌نژاد بانی این کار بود و ما هم از اول با آن مخالف بودیم

شما با افزایش قیمت بنزین در دوره اخیر هم مخالفت و تبعات اجتماعی آن را تشریح کردید؛ اما به هر حال این تصمیم به دور از مجلس اتخاذ شد؛ هر چند مجلس به نوعی اختیار افزایش قیمت بنزین را با تأیید قانون هدفمندی یارانه‌ها به دولت داده بود و بنابراین از اساس با افزایش قیمت بنزین مخالفتی نداشت.

من و گروهی از نمایندگان، به دلایل کاملاً متقن مخالف افزایش قیمت بنزین هم در دولت آقای احمدی‌نژاد و هم در دولت آقای روحانی بودیم. از ابتدا گفتیم که هیچ‌یک از دولت‌ها به درآمدهایی که به اعتبار افزایش قیمت بنزین پیش‌بینی کرده‌اند، دست نمی‌یابند. هیچ تضمینی هم وجود ندارد که این درآمدها در محل‌های پیش‌بینی شده در قانون هدفمندی یارانه‌ها هزینه شود، چنان‌که در دولت آقای احمدی‌نژاد نشد و در این دولت هم اتفاق نمی‌افتد.

پس چرا مجلس با تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها، موافقت کرد؟

آقای احمدی‌نژاد نتوانست قیمت بنزین را به ۹۰ درصد فوب خلیج فارس افزایش دهد. او حتی نتوانست ۵۰ تا ۶۰ درصد فوب خلیج فارس را که کشورهای همسایه اعمال کرده‌اند، اعمال کند. بالاترین قیمت بنزین در آن دوره لیتری هزار تومان بود. دولت وقت با لجاجت تصمیم خود را گرفته بود و قانون هدفمندی را تصویب کرد. آقای احمدی‌نژاد تنها تأیید مجلس را می‌خواست و ما هم نمی‌خواستیم که آلت دست او شویم. به هر صورت آنچه دولت به دنبال آن بود با مخالفت مجلس و دخالت شورای نگهبان برای فیصله دادن اختلافات





هیچ یک از دولت‌ها به درآمدهایی که به اعتبار افزایش قیمت بنزین پیش‌بینی کرده‌اند، دست نمی‌بندد. هیچ تضمینی هم وجود ندارد که این درآمدها در محل‌های پیش‌بینی شده در قانون هدفمندی یارانه‌ها هزینه شود

تصمیمات اشتباه رقم خورد. اگر این تصمیم عقلانی بود، منتهی به این تحولات نمی‌شد. وقتی می‌خواهیم تصمیمی بگیریم باید تمام ابعاد آن را در نظر داشته باشیم.

■ چرا تا این اندازه بر اقتصادی نبودن این تصمیم پافشاری می‌کنید؟ دولت که می‌گوید هر چه درآمداز محل افزایش قیمت بنزین دارد را صرف معیشت مردم می‌کند.

اساساً توزیع پول بدون محمل درست، اشتباه است. توزیع پول باید به اشتغال افراد برگردد. ما حتی اگر بخواهیم به یک معلول هم پول بدهیم باید برای اشتغال وی این اتفاق بیافتد. ما می‌توانیم به استناد قانون بیمه بیکاری به افراد فاقد شغل که به صورت غیرآزادی بیکار شده‌اند، حقوق بیکاری پرداخت کنیم اما نمی‌توانیم به کسی که به خاطر نداشتن شغل سال به سال پولی در حسابش نمی‌آید، پول پرداخت کنیم. این نحوه پرداخت کردن، تشویق یک تصمیم غیراقتصادی است یعنی به مردم می‌گوییم در خانه‌هایتان بنشینید و تکان نخورید تا پول به حسابتان بیاید. این جدا از این است که عده‌ای هم با وجود محق بودن، این پول را دریافت نکرده‌اند، اما پول پرداخت کردن توهین به کسانی است که شغل دارند و به خاطر زحمت کشیدن حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند.

■ چرا همان زمان که دولت تصمیم گرفت افزایش قیمت بنزین را به پرداخت کمک معیشتی گره بزند و واریز یارانه به حساب سرپرستان خانوار را به افزایش قیمت بنزین مشروط کند، با توزیع پول مخالفت نکردید؟

نمی‌دانستم دولت چنین تصمیمی گرفته است. فکر می‌کردم که دولت عواید افزایش قیمت بنزین را صرف موارد پیش‌بینی شده در قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌کند اما دیدم قرار نیست کار در این مسیر بیافتد. برای همین است که حالا می‌گویم این کار توهین به مردم است. مردم به توزیع پول نقد نیاز ندارند. آنها شغل، اعتبار و آبرو می‌خواهند. با این پول‌ها کسی صاحب زندگی نمی‌شود. البته فقر عامل اعانه‌بخشی است اما ما می‌گوییم که این گونه نمی‌توان فقر زدایی کرد. طبق متن «پنج‌البلاغه» از حضرت علی (ع) پرسیدند: «تفاوت عدالت و بخشش چیست؟» ایشان جواب دادند: «بخشش آن است که چیزی را از جایش خارج می‌کنند و عدالت آن است که چیزی را در جای خود قرار می‌دهند». چه کسی از حضرت علی که او را اسمبل جود، کرم و بخشش و صفا می‌شناسند، انتظار چنین پاسخی را داشت. علی (ع) به فلسفه بخشش اعتقاد ندارد، اما به عدالت اعتقاد دارد و میان بخشش و عدالت تمایز قائل است.

■ پس شما هم بر این مبنا میان بخشش و عدالت تمایز قائل می‌شوید و تاکید دارد که اعانه‌بخشی، عدالت نیست و عدالت مقوله‌ای مستقل از بخشش است؟

اگر می‌خواهند به کسی که معاشش تنگ است، کمک کنند باید با کرامت این کار را کنند. از سویی اقتصاددان‌ها گفته‌اند که بدترین نوع یارانه، یارانه نقدی است. هنگامی که آقای احمدی‌نژاد قانون هدفمندی را تصویب کرد، من گفتم که یارانه نقدی بدترین نوع یارانه‌هاست. از سویی قرار نیست، دولت تمام عواید افزایش قیمت بنزین را به معیشت مردم اختصاص دهد. با حذف یارانه بنزین ماهی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و سالی ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان، عواید به دست می‌آید که حتی اگر بخشی از این پول به دست فقرا برسد، بخش اعظم آن در چرخه دوم و سوم تبادل پول، به جیب اغنیای می‌رود. این نحوه توزیع پول، تورم فزاینده‌ای ایجاد می‌کند، پس به هیچ‌وجه اقتصادی و عقلانی نیست. از طرفی این آتش زدن به منابعی است که باید صرف اشتغال و تولید شود. در نهایت دولت فقیر و مردم فقیر تر می‌شوند چرا که تصمیم اساسی افزایش قیمت بنزین کل سیاست پرداخت حمایت معیشتی را به حاشیه می‌برد.

عمومی علیه یک تصمیمی است، ناچار می‌شوند، حتی اگر موافق آن تصمیم باشند، تصمیم خود را تعدیل کنند یا آن را کنار بگذارند. نمایندگان مجلس هر جا که نیاز بوده در برابر دولت و تصمیم‌هایی که در خود مجلس گرفته شده، مخالفت کرده‌اند. برای نمونه پیش از اینکه قانون هدفمندی یارانه‌ها ابلاغ شود، قیمت بنزین ۱۰۰ تومان بود. کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، تصمیم گرفت که قیمت بنزین را به ۲۰۰ تومان برساند، اما ما مخالفت کردیم و هر چه به نمایندگان گفتیم که این کار مشکل‌ساز است، گوش نکردند. من یکی از مخالفانی بودم که بسیار بر موضع پافشاری کردم و درباره دلایل مخالفت در مجلس سخنرانی کردم، اما در رای‌گیری نهایی که در آن مقطع با سیستم سنتی برگزار می‌شد، نظر من با اختلاف ۱۰ رای، تایید نشد. چون سیستم رای‌گیری این‌گونه بود که نمایندگان می‌توانستند در رای‌گیری تشکیک ایجاد کنند، من هم از فرصت استفاده کردم و تشکیک ایجاد کردم تا رای‌گیری مجدداً برگزار شود. فرآیند آن روز تعداد زیادی از نمایندگان که از حمایت از افزایش قیمت بنزین نگران شده بودند به من مراجعه کردند و پرسیدند چه کنیم که این تصمیم برگردد؟ به آنها توصیه کردیم که تشکیک ایجاد شده را در هیات رئیسه مجلس به رای بگذاریم و مجدداً رای‌گیری کنیم. پس از رای‌گیری، تصمیم کمیسیون برنامه و بودجه با قاطعیت رد شد تا جایی که رئیس مجلس، تعجب کرد و از من پرسید چطور شد که امروز با این اختلاف تصمیم کمیسیون رای نیاورد؟

■ یعنی شما موفق شدید که تصمیمی را در آن مقطع برگردانید. اما در مورد اخیر، در سطح عالی کشور تصمیم‌گیری شده بود و ظاهراً جز اعتراض و چند سخنرانی محدود کار دیگری از دست شما بر نمی‌آمد.

آنچه می‌توانم بگویم این است که این تصمیم مغایر مبانی عقلانی است. این تصمیم با تنش‌های زیادی همراه شد زیرا در پی آن تنها فقرا دچار چالش نمی‌شوند، ثروتمندان هم که خود بزرگترین مصرف‌کننده بنزین هستند، متضرر می‌شوند. من همان زمان گفتم که «هر کسی حق دارد که تندترین اعتراض را داشته باشد». این گفته در همان ساعات اولیه با اعتراض گردانندگان حوزه‌های امنیتی کشور مواجه شد، اما واقعیت با تکذیب مصاحبه من تغییر نمی‌کند. در آن روز ضرورتی در تکذیب گفته‌های خود نمی‌دیدیم اما چون خیلی اصرار کردند که حتماً چیزی بگویم، چند خطی نوشتم که در خبرگزاری ایلنا، منتشر شد. در آن متن یادآوری کردم که قصداً ما از بیان این نکات کساندن کسی به خیابان نیست، بلکه بیان واقعیتی است که اتفاق می‌افتد. گذشت و دیدیم چه جریان‌هایی پیش آمد. آیا صحبت‌های من محرک آنها بود؟ هر چه در کشور از پس افزایش قیمت بنزین اتفاق افتاد، نه صرفاً محصول افزایش قیمت بنزین بود که محصول مجموعه تصمیم‌هایی بود که در اداره اقتصاد کشور گرفته شده بود. فضای اجتماعی متشنج متأثر از مجموعه



این دو، مواجه شد. ما پیش از سال ۸۹ اعتقاد نداشتیم که تمام درآمدها باید در اختیار دولت قرار گیرد چرا که مطمئن نبودیم در جای خود هزینه می‌شود؛ اما به هر حال شورای نگهبان تایید کرد که عواید افزایش قیمت بنزین در اختیار دولت قرار گیرد تا مطابق قانون هدفمندی یارانه‌ها آن را توزیع کند. نمایندگان مجلس هم تنها می‌توانستند دولت را از بابت نحوه اجرای قانون بازخواست کنند و پس از ورود شورای نگهبان و فیصله یافتن اختلافات، دیگر نمی‌توانستند قانون را از اساس زیر سوال ببرند. اعتقاد دارم که اگر دولت آقای احمدی‌نژاد به دنبال گرفتن مهر تایید مجلس در پای قانون هدفمندی یارانه‌ها بود، نه به دلیل اعتقاد وی به جایگاه مجلس در تصمیم‌گیری‌ها، که به خاطر کسب حداقل مشروعیتی برای افزایش قیمت بنزین بود. حالا هم می‌گویم که به همان دلایلی که با اقدام دولت آقای احمدی‌نژاد مخالف بودیم با اقدام دولت آقای روحانی هم مخالف هستیم.

■ اما به هر حال مجلس در تصمیم‌گیری اخیر کنار گذاشته شد و جایگاه نهادی آن به عنوان نهاد قانون‌گذاری کم‌اهمیت‌انگاشته شد.

باز هم تکرار می‌کنم که تصمیم دولت یا شورای عالی سران سه قوه در مورد افزایش قیمت بنزین، مبنای قانونی داشت؛ اما همین اقدام آقای روحانی هم عیناً در معرض انتقاد است. ما با کلیت افزایش قیمت بنزین مخالف هستیم این‌که افزایش قیمت بنزین به چه صورتی و در کجا تصویب شود، موضوع فرعی است. تصمیم افزایش قیمت بنزین دارای مبنای اقتصادی و عقلانی نیست.

■ اما مجلس هم در این مورد ایرادات خود را داشت و به هر حال بین بنزین با نرخ آزاد ۱۸۰۰ یا ۱۵۰۰ تومانی با بنزین آزاد به نرخ ۳۵۰۰ تومان، تفاوت زیادی وجود دارد.

به همین دلیل، مجلس هیچ‌گاه بر سر افزایش قیمت بنزین به اجماع نرسید. نمایندگان موافق افزایش قیمت بنزین فکر نمی‌کردند که افزایش قیمت بنزین حتی به شکل سه فوریتی رای بیاورد؛ چه برسد به دو فوریتی و یک فوریتی. به هر حال وقتی نمایندگان مجلس می‌بینند که احساسات

آنچه مجلس یازدهم باید دغدغه‌مند آن باشد

گسترش فقر در نبود بیمه‌های اجتماعی فراگیر



سعیده علیپور



جمعیتشان کم نیست، دوروبرمان را که نگاه کنیم شاید یکی از این افراد را بشناسیم، کسانی که با وجود داشتن شغل، از بیمه‌های اجتماعی محروم هستند. برخی کارفرمایان از زیر بار بیمه شغلی شانه خالی کرده و گروهی هم که خود کسب و کاری دارند ترجیح می‌دهند بخشی از درآمدشان را که شاید رقم قابل توجهی هم نباشد برای آتیه‌ای نامعلوم کنار نگذارند. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شش میلیون نفر از شاغلان کشور از بیمه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند، رقمی که در مقابل جمعیت ۲۲ میلیون نفری شاغل، قابل توجه و نگران‌کننده محسوب می‌شود. افرادی که در کنار خانواده‌هایشان به جمعیتی نزدیک به ۱۸ میلیون نفر می‌رسند و بیم آن می‌رود که بخشی از آنها، در آینده‌ای نه چندان دور چنان دچار فقر شوند که نیاز باشد تا زیر چتر نهادهای حمایتی مثل کمیته امداد یا بهزیستی قرار گیرند.

سه ایزود از شاغلان بدون بیمه

یک: طاهره کارگر رستوران، سه سال است که کار می‌کند و خرج شوهر معلول و دو پسر و یک دخترش را تأمین می‌کند. شوهرش راننده بوده و تصادف کرده و حالا روی ویلچر می‌نشیند. شوهرش بیمه نبوده و حالا هم مستمري ندارد و تنها هر ماه مستمري کمی از بهزیستی دریافت می‌کند. طاهره بیمه نیست. او در این سه سال بیمه نشده و مدیر رستوران هر بار به او وعده می‌دهد که به زودی بیمه‌اش خواهد کرد اما حتی خود مدیر رستوران هم به گفته طاهره بیمه نیست. طاهره چند ماهی است که بیمه درمانی دارد، اما امیدي ندارد که کارفرما او را بیمه شغلی کند؛ بیمه‌ای که با آن در سنين بازنشستگی مستمري دریافت کند. سال پیش او خودش را بیمه اختیاری کرد اما از پس پرداخت هزینه آن برنیامد.

بیمه‌های اختیاری به دلایل مختلف که از جمله آن حق بیمه بالا به نسبت درآمد است، مورد اقبال بسیاری از افراد جامعه نیستند و به نظر می‌رسد باید در این باره قوه قانون‌گذار مداخله کند

دو: مصیب هفت سال است که به تهران آمده. دستفروش است. او بیمه نیست. چون تأمین هزینه بیمه اختیاری در توانش نبوده و حق بیمه بیش از ۲۰۰ هزار تومانی بخش عمده‌ای از درآمدش را از او می‌گیرد. او اتاقی در خانه‌ای قدیمی در یافت‌آباد اجاره کرده و هر روز تا یکی از میادین مرکز شهر می‌آید تا کنار خیابان با آویزان کردن انواع کیف‌ها روی کولش، افراد را به خریدن ترغیب کند. مصیب ۲۵ سال دارد و می‌گوید که حتی پنج سال آینده‌اش را هم نمی‌تواند تصور کند چه رسد به ۳۰ سال دیگر.

سه: بهنام یک سال بیشتر نیست که در تعویض روغنی کار می‌کند. او هم در خیل بیمه‌نشدگان است. کارفرمایش به او گفته که او را بیمه نمی‌کند و به همین

دلیل بهنام هر ماه حق بیمه اختیاریش را پرداخت می‌کند. او اما به ۳۰ سال دیگرش فکر می‌کند و به قول خودش از فقر در دوره پیری واهمه دارد.

بهنام بلندپرواز است و دلش می‌خواهد خودش راه و چاه را یاد بگیرد و مکانیکی راه بیندازد و البته نیروهایش را بیمه کند. او می‌گوید: از سازمان فنی و حرفه‌ای گواهی جوشکاری دارد و کار ساختمان که را‌کد شد سر از مکانیکی درآورد و حالا مجبور است تا بخش عمده‌ای از حقوق ۸۰۰ هزار تومانی‌اش را برای بیمه پرداخت کند. او می‌گوید: ماهی ۳۰۰ هزار تومان از درآمدم را حق بیمه می‌دهم.

نقایص بیمه‌های اختیاری

گرچه سازمان تأمین اجتماعی هرازگاهی اطلاعیه‌ای درباره الزام قانونی کارفرمایان نسبت به پرداخت حق بیمه کارگران منتشر می‌کند و در این اطلاعیه‌ها تأکید می‌شود که «حتی یک روز» و «حتی یک ساعت» کار هم مشمول پرداخت حق بیمه است اما در عمل این اتفاق به دلیل نقص‌های قانونی و عدم نظارت دقیق بر کارگاه‌ها جامه عمل پوشانده نشده است. از سوی دیگر بیمه‌های اختیاری به دلایل مختلف که از جمله آن حق بیمه بالا به نسبت درآمد است، مورد اقبال بسیاری از افراد جامعه نیستند و به نظر می‌رسد باید در این باره قوه قانون‌گذار مداخله کند.

در همین باره اسماعیل گرجی‌پور، مدیرکل دفتر بیمه‌های اجتماعی وزارت رفاه می‌گوید: «ساختار نظام بیمه‌ای ما طوری طراحی شده که مبتنی بر سه رکن اصلی دولت، کارگر و کارفرماست. ما در جایی شاهد این خلأ هستیم که این سه رکن اصلی وجود ندارد. به‌رغم اینکه سازمان تأمین اجتماعی، سال‌ها پیش قانون بیمه مشاغل آزاد را تصویب کرد، اما شکل ارائه این بیمه طوری بود که نتوانست، موفقیت لازم را به دست آورد. به‌طوری‌که در این بیمه سهم کارفرما را خود فرد پرداخت می‌کند. هرچند سه سقف ۱۲ درصدی، ۱۶ درصدی و ۱۸ درصدی برای این شکل بیمه تعریف شده است؛ باز هم نرخ حق بیمه روی حداقل دستمزد تعریف می‌شود. این در حالی است که این گروه برای خودشان

کار می‌کنند و سطح درآمد ماهانه آنها ممکن است زیر ۴۰۰ هزار تومان یا حتی بالای ۱۰ میلیون تومان باشد. از آنجایی که در این روش کل نرخ حق بیمه را خود فرد می‌پردازد، عملاً چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.»

به گفته او تا امروز حدود ۸۰۰ هزار نفر از غیرمزد و حقوق‌بگیران مشاغل آزاد در چارچوب بیمه مشاغل آزاد، خود را بیمه کرده‌اند.

گرجی‌پور ادامه می‌دهد: «به همین دلیل است که ما باید در این باره کاری بکنیم. مثلاً کسی که در سیستان و بلوچستان کار می‌کند و ماهی ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد، نمی‌تواند در چارچوب قانون بیمه مشاغل آزاد حدود ۲۰۰ هزار تومان حق بیمه پرداخت کند، چراکه بر این اساس مجبور است تقریباً نیمی از درآمدش را به حق بیمه اختصاص دهد. این جاست که طرح بیمه اجتماعی فراگیر می‌تواند به داد جمعیت شاغل فاقد بیمه برسد و کشور را به نوعی از بحران‌های اجتماعی آینده نجات دهد و از این روست که قانون‌گذار و دولت باید در این زمینه وارد عمل شوند.»

مدیرکل دفتر بیمه‌های اجتماعی وزارت رفاه می‌گوید: «حدود سه میلیون نفر از غیرمزد و حقوق‌بگیران با سیاست‌های حمایتی دولت بیمه شده‌اند که بار حمایتی آن به دوش دولت یا درحقیقت خود سازمان تأمین اجتماعی است. این یک چالش جدی است که بدهی سنگینی برای دولت در قبال سازمان تأمین اجتماعی ایجاد کرده است. از جمله این بیمه‌های حمایتی می‌توان به بیمه قالببافان، رانندگان، باربران و غیره و گروه‌هایی مثل بیمه کمیته امداد و بهزیستی اشاره کرد که بار مالی زیادی به دولت تحمیل می‌کند و عملاً این بار به دوش سازمان تأمین اجتماعی می‌افتد، چراکه دولت به دلیل مشکل اعتبار توان پرداخت این مطالبات را ندارد.»

به گفته او اگر نتوانیم سازوکاری برای بیمه‌های فراگیر اجتماعی که مورد اقبال عموم باشد فراهم کنیم؛ در آینده شاهد گروه‌های نیازمند و فقیری خواهیم بود که باید مورد حمایت ۱۰۰ درصدی دولت باشند.

با وجود تاکید رهبری و قانون در مورد ضرورت الکترونیکی شدن انتخابات؛

باز هم دست‌ها به جای دستگاه

سیاست‌های کلی و قوانین انتخاباتی، به صراحت از ضرورت الکترونیکی شدن انتخابات سخن گفته‌اند. این در حالی است که هنوز اختلاف نظر میان وزارت کشور و شورای نگهبان در این باره پابرجاست.

حسن روحانی، رئیس جمهوری در ادامه نقطه نظرات انتخاباتی و طرح انتقاداتش از مشکلات موجود و عملکردهای نامطلوب در زمینه انتخابات به ویژه نظارت بر آن، هفتم بهمن در همایش سراسری استانداران و فرمانداران با بیان اینکه صندوق آرا به شکلی کنونی را نمی‌پسندد، گفت: «به وزیر کشور در هر دوره‌ای تاکید کردیم و ایشان نیز این موضوع را دنبال کردند اما نشد. این انتخابات را الکترونیکی کنید. افغانستان هم این کار را کرد. مردم‌رای را روی کاغذ

مساله مورد تاکید قرار گرفته است. از سوی دیگر رهبر انقلاب هم در سیاست‌های کلی انتخابات بر برگزاری الکترونیکی انتخابات توجه کرده و آن را یکی از بندهای این سیاست‌ها قرار داده‌اند.

طبق تبصره ۶ ماده ۹ قانون انتخابات کشور «وزارت کشور موظف است ظرف مدت شش ماه از زمان تصویب این قانون، نسبت به نوین‌سازی شیوه‌های اخذ رای و شمارش آرا، به منظور دقت، سلامت و نظارت بهتر در اخذ، شمارش و اعلام نتایج و همین‌طور استانداردسازی صندوق‌های اخذ رای در حدود اعتبارات مصوب و پس از تایید شورای نگهبان اقدام کند.»

تبصره ۷ همین ماده که اصلاحی سال ۹۵ است بیان داشته است «وزارت کشور موظف است با هماهنگی و موافقت شورای نگهبان تمام مراحل انتخابات را در حدود اعتبارات مصوب با استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین برگزار کند.» در تبصره ۸ الحاقی سوم خرداد سال ۹۵ هم آمده است: «در انتخابات

ساختار سیاسی کشور در حوزه انتخابات است چرا که همواره رای مردم به عنوان «حق الناس» از سوی رهبری مورد توجه قرار گرفته و خدشه در آن حرام اعلام شده است.

علاوه بر متون قانونی و اسناد بالادستی، مسئولان برگزاری انتخابات هم تجربه‌های عملی را در این زمینه پشت سر گذاشته‌اند. برای اولین بار رای‌گیری الکترونیکی در سال ۱۳۹۶ در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا به صورت محدود برگزار شد. هر چند تا به امروز شورای نگهبان مخالف برگزاری الکترونیکی انتخابات سراسری و مهم در کشور بوده است، اما بررسی نتایج و دستاوردهای برگزاری آزمایشی انتخابات شورای شهر و روستا نشان می‌دهد که می‌توان با ایجاد زیرساخت‌های لازم از این امکان بهره گرفت. تجربه دوم در کشور در حوزه برگزاری انتخابات به صورت الکترونیک در ۹ مرداد امسال رقم خورد و انتخابات شورایی شهر تهران به صورت تمام الکترونیک در ۳۵۲ محله این شهر برگزار شد.

با همه این اوصاف و وجود تجربه عملی و نیز مترتب بودن مزایای بسیار بر انتخابات الکترونیک؛ تحقق قوانین در این زمینه با مشکلاتی مواجه است. با وجود اعلام آمادگی وزارت کشور اما هنوز شورای نگهبان در این زمینه نظر مثبت خود را اعلام نکرده و از آن جایی که اجرایی شدن این فرآیند در قانون منوط به تایید شورای



نگهبان است، فعلا این مساله مسکوت مانده و بعید است به یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برسد. علاوه بر بسترهای زیرساختی که برای برگزاری الکترونیک انتخابات باید آماده شود، جلب نظر شورای نگهبان و مساعدت این شورا در این زمینه ضروری است. مواضع اعضای شورای نگهبان نشان می‌دهد این نهاد در زمینه انتخابات الکترونیک دارای ابهاماتی است که باعث شده همچنان اجازه تحقق آن را ندهند.

۳۰ دی ۱۳۹۴ «نجات‌الله ابراهیمیان»، عضو وقت شورای نگهبان در زمانی که بحث‌ها پیرامون برگزاری الکترونیکی انتخابات مجلس داغ بود،

الکترونیکی با تایید شورای نگهبان از امضاهای الکترونیکی مجریان و ناظران استفاده می‌شود. همچنین در صورت برگزاری هم‌زمان چند انتخابات، در هر شعبه اخذ رای از یک دستگاه به‌طور مشترک برای تمامی انتخابات در اخذ رای و شمارش آرا با تایید شورای نگهبان استفاده می‌شود.»

علاوه بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات، دولت را مکلف به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ، شمارش آرا و اعلام نتایج کرده است. در واقع این مساله امروزه در راستای راهبردهای اصلی

می‌نویسند، توی صندوق می‌اندازند، فردی آن رای را می‌خواند و فرد دیگری آن را علامت می‌زند و البته معلوم نیست این فرد چه می‌خواند و آن یکی کجا را علامت می‌زند، هم اینکه علامت زدند در پایان، نوبت به تجمیع آرا می‌شود که چه بساطی پیش می‌آید که باید همه آنجا مراقب باشیم.»

به گزارش ایرنا، انتقاد روحانی در حالی مطرح شده که مجلس شورای اسلامی هم وزارت کشور را ملزم به برگزاری انتخابات الکترونیکی کرده است. در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ در فصل دوم که مربوط به کیفیت انتخابات است در تبصره‌های اصلاحی سال ۹۵ این



در گفت و گویی رسانه‌ای بیان داشت: شورای نگهبان با برگزاری انتخابات الکترونیکی به دو دلیل مخالفت کرد؛ موادی که مربوط به انتخابات بود از طرح اصلاح قانون انتخابات توسط مجلس شورای اسلامی حذف شد و آیین‌نامه نمی‌تواند جای قانون را بگیرد.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان درباره دلیل دوم نیز بیان داشت: مراجعی که قرار بود امنیت سیستم انتخابات الکترونیکی را تایید کنند پس از دریافت پاسخ‌ها مشخص شد آن‌ها نیز بدون قید و شرط امنیت سیستم را تایید نمی‌کنند، به همین دلیل شورای نگهبان با برگزاری انتخابات الکترونیک مخالفت کرد.

از سخنان «سیامک ره‌پیک» عضو شورای نگهبان که در این زمینه اظهار نظر کرده این‌گونه برمی‌آید که شورای نگهبان نگران اعمال نظارت خود در انتخابات الکترونیک است. به گفته وی، شورای نگهبان نه تنها از این دوره بلکه از دوره‌های گذشته با فناوری نوین موافق است و در این رابطه قانون هم داریم. اصل الکترونیکی شدن انتخابات برای هیچ‌کس قابل مخالفت نیست... اگر آن شرایط مبنی بر اینکه نظارت شورای نگهبان را مخدوش نکند، امنیت انتخابات رعایت شود و همچنین مشارکت وجود داشته و به مشارکت و صحت انتخابات و شرایط دیگر خدشه‌ای وارد نشود، شورای نگهبان با الکترونیکی شدن انتخابات موافق است.

عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، ۲۲ دی ماه در پاسخ به یکی از خبرنگاران درباره برگزاری انتخابات الکترونیک از احراز هویت الکترونیکی رأی‌دهندگان به‌طور ۱۰۰ درصدی خبر داد و افزود: «در حوزه‌های دیگر، مسئولان شورای نگهبان برای برگزاری انتخابات الکترونیک تلاش کردند و ما هم آمادگی داشتیم، اما به علت مسائل فنی در حوزه‌های دیگر، الکترونیکی برگزار نمی‌شود.»

با وجود تاکید رهبری و قانون در مورد ضرورت الکترونیک شدن انتخابات، اما با دور شدن از هر انتخاباتی این مساله به فراموشی سپرده می‌شود و تا آستانه انتخابات بعدی کسی چندان سخنی از آن نمی‌گوید. بحث‌ها در آستانه انتخابات سال ۹۴ مجلس در زمینه انتخابات الکترونیک تا به امروز که چهار سال گذشته به نتیجه نرسیده است. اکنون این پرسش مطرح است آیا دغدغه‌های فنی و زیرساختی در طول چهار سال گذشته قابل رفع نبود که امروز انتخاباتی دیگر با تحمیل هزینه‌های گزاف به کشور برگزار نشود؟

قانون «شفافیت و نظارت بر تامین مالی فعالیت‌های انتخاباتی» از عهده پولشویی در انتخابات برمی آید؟

ردگیری حساب‌ها و پول‌های بودار!

طهمورت حسینی



انتخاباتی کاندیداها و تعیین ضمانت‌هایی برای شفاف شدن هزینه‌های انتخاباتی از راهکارهایی است که در مواد ۱۲ گانه این قانون پیش‌بینی شده است.

افتتاح یک حساب انتخاباتی

جمال عرف، معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور از ابلاغ این قانون به استان‌ها و ستاد انتخابات سراسر کشور خبر داد و درباره آن به ایسنا گفت: فرمانداری‌ها به نامزدها اعلام کردند که یک حساب در یکی از بانک‌های معتبر کشور که از بانک مرکزی مجوز دارد افتتاح و آن را به فرمانداری اعلام کنند.

به گفته او، همچنین نامزدهای انتخابات باید یک نماینده به عنوان مسئول مالی داشته باشند تا ورود و خروج مالی در این حساب را گزارش دهند و وقتی وزارت کشور یا هیأت نظارت درخواست گزارش مالی کردند، آنها این گزارش را ارائه کنند.

هر کسی می‌خواهد به نامزدی کمک کند وقتی به بانک مراجعه می‌کند، نام، شماره حساب و کد ملی او مشخص است و اگر حزب باشد باید شماره پروانه و مشخصات دبیر آن حزب را بنویسد تا مشخص شود چه افراد و احزابی به داوطلب مراجعه کرده‌اند.

احتمال حذف از انتخابات در انتظار نامزدهای خاطی

سید اسماعیل موسوی، دبیر ستاد انتخابات کشور نیز با اشاره به این قانون به فارس گفت: «در صورتی که نامزدهای انتخابات، قانون شفافیت هزینه‌های انتخاباتی را رعایت نکنند، علاوه بر مجازات مقرر به محرومیت از نامزدی در هر گونه انتخابات محکوم می‌شوند.» وی با بیان اینکه این قانون در واقع نامزدها را موظف به داشتن یک حساب و نماینده مالی می‌کند، افزود: «حساب بانکی که کاندیداها اعلام می‌کنند، دارای ورودی (پرداختی به آن) و خروجی (برداشت از آن) است.»

ممنوعیت دریافت کمک از افراد غیر ایرانی

سخنگوی ستاد انتخابات در مورد اینکه قانون چه مواردی را برای ورودی به این حساب بانکی مجاز می‌داند، بیان داشت: «موال و دارایی خود داوطلب، کمک‌هایی که می‌تواند از احزاب و گروه‌های سیاسی و اشخاص حقیقی ایرانی بگیرد.»

به گفته وی، داوطلبان همچنین می‌توانند از امکانات

چنگال پول‌های کثیف سال‌هاست که بر گردن انتخابات است. همین روزها ماجرای کلاهبرداری که خود را واسطه شورای نگهبان معرفی می‌کردند، سر و صدای زیادی کرده است؛ کلاهبرداری که از رد صلاحیت شده‌ها، حتی تا چهار میلیارد تومان هم طلب می‌کردند تا در ازای آن تایید صلاحیت آنها را از شورای نگهبان بگیرند. اوایل دولت اول روحانی، عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور او با اشاره به گردش سالانه ۲۰ هزار میلیارد تومانی قاچاق مواد مخدر گفت «بی شک بخشی از این پول در حوزه سیاست، انتخابات و انتقال قدرت سیاسی در کشور وارد می‌شود.»

هر چند که رحمانی فضلی بابت این اظهارات خود به مجلس احضار شد تا جواب پس بدهد و بعد هم اظهارات خود را تلطیف کرد، اما برای بسیاری روشن بود که او قطعاً برای این ادعای خود مصداقی را هم سراغ دارد. البته نه تنها رحمانی فضلی، بلکه تمامی آنهایی که پرده انتخابات را کنار زده و پشت پرده را دیده‌اند، دست‌های پوشیده در دستکش بسیاری را مشاهده کرده‌اند که در حال رد و بدل کردن پول‌های کثیف در عرصه سیاست هستند. این دست‌ها در طول سالیان چنان بزرگ و غول‌آسا شده‌اند که غلبه بر آنها قدرتی پیل‌افکن طلب می‌کند.

در نهایت نمایندگان مجلس دست از روی دست برداشتند و دست به کار مقابله با این فسادها در قالب «طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس» شدند. این طرح در موارد متعددی به اصلاح قانون انتخابات مجلس می‌پرداخت، از جمله استانی شدن انتخابات و شفافیت هزینه‌های انتخابات.

راهکار ۱۲ ماده‌ای

طرح مذکور در مجلس به تصویب رسید اما با ایراد شورای نگهبان و تقارن با ارائه لایحه جامع قانون انتخابات، از دستور کار خارج شد. بعد از آن، نمایندگان طرح «شفافیت و نظارت بر تامین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» را با قید دو فوریت مطرح کرده و در جلسه علنی روز یکشنبه ششم بهمن ۱۳۹۸ به تصویب رساندند. شورای نگهبان نیز آن را در ۹ بهمن ۹۸ تایید کرد. در نهایت حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ۱۵ بهمن آن را به وزارت کشور ابلاغ کرد. راه‌اندازی پایگاه الکترونیکی ثبت اطلاعات مالی کاندیداها، ممنوعیت دریافت کمک‌های مالی برای تامین منابع مالی، شفافیت کمک‌های مالی، تعیین چارچوب و سقف هزینه

و منابع عمومی مثل جایگاه تبلیغاتی که شهرداری در اختیار آنها قرار می‌دهد یا سالن‌های اجتماع استفاده کنند. وی بیان کرد: «طبق این قانون، داوطلبین هیچ کمکی از اشخاص خارجی نمی‌توانند بگیرند و در ایران هم از اشخاص حقوقی مثل شرکت‌ها، خیریه‌ها و موسسات حق دریافتی ندارند.»

داوطلبین حق هزینه‌کرد در موارد خاص را دارند

موسوی در مورد خروجی حساب مشخص شده داوطلبین و اینکه نامزدها چه جایی حق هزینه‌کرد انتخاباتی دارند، نیز تاکید کرد: «بخشی از هزینه‌ها می‌تواند مانند اجاره‌بها و هزینه‌های جانبی در زمینه حق دایر کردن ستاد انتخاباتی باشد. هر کدام از نامزدها بر اساس قانون می‌توانند آثار مجاز تبلیغاتی مانند عکس و بنر و زندگینامه منتشر کنند.»

وی در این باره افزود: «هر نامزد در شعب اخذ رأی دارای نمایندگانی است که بالاخره این افراد هم هزینه‌هایی دارند و یا دارای کارشناس و مشاورینی است که قانونگذار اجازه داده از این حساب برای این هزینه‌کرد برداشت کند.»

امکان نظارت بر هزینه‌کرد انتخاباتی مهیا شد

سخنگوی ستاد انتخابات کشور در مورد حسن اجرای این قانون نیز گفت: «این قانون در عین حالی که منابع مالی داوطلبین را شفاف می‌کند امکان نظارت و کنترل این حساب و هزینه‌کرد نامزدها را نیز مهیا می‌کند. هر کسی که می‌خواهد به نامزدی کمک کند وقتی به بانک مراجعه می‌کند، نام و نام خانوادگی، شماره حساب و کد ملی او مشخص است و اگر حزب باشد باید شماره پروانه و مشخصات دبیر آن حزب را بنویسد و مشخص می‌شود چه افراد و احزابی به آن داوطلب مراجعه کرده‌اند.»

موسوی خاطر نشان کرد: بر اساس این قانون اعلام شده بانک‌ها در ضمن برگزاری انتخابات و پس از آن اطلاعات حساب را در اختیار ستاد انتخابات و هیات مرکزی انتخابات قرار دهند و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هم نسبت به آن نظارت می‌کنند.

داوطلبان قرار بود تا پیش از آغاز رسمی زمان انتخابات یعنی ۲۳ بهمن ماه حساب بانکی و نماینده مالی خود را اعلام و تبلیغات خود را نیز ۲۴ بهمن آغاز کنند. طبق ماده ۱۱ این قانون «تخلف از مفاد این قانون و انجام هر گونه هزینه تبلیغاتی و انتخاباتی برخلاف احکام آن جرم است و مرتکب به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه شش به استثنای مجازات حبس محکوم می‌شود و در صورتی که نامزدهای انتخاباتی مجرم شناخته شوند علاوه بر مجازات مقرر به محرومیت از نامزدی در هر گونه انتخابات عمومی و سراسری از یک تا دو دوره از سوی مراجع صالح قضایی محکوم می‌شوند.»

بنابر این ضمانت اجرای آن با قوه قضائیه است و بسیاری نیز در حال حاضر بر این نکته اصرار می‌ورزند که رسیدگی به پرونده این جرایم به بعد از انتخابات موکول نشود. حال باید دید قانون جدید با این ساز و کار تا چه حد می‌تواند شاخ غول پول‌های کثیف در انتخابات را بشکند.



مجید انصاری:

مولفه‌ای برای عدالت اجتماعی که «مجلس آینده» باید مدنظر قرار دهد

اجازه ندهیم خانه ملت تبدیل به پادگان شود

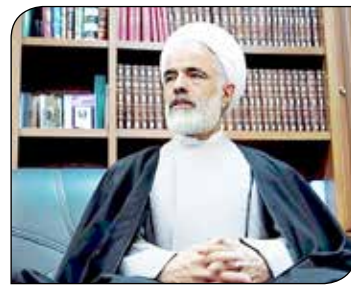
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: نباید اجازه دهیم خانه ملت تبدیل به پادگان شود. باید اخلاق مدار وارد خانه ملت شویم. مجلس باید تبلور حضور مردم باشد. نمایندگان مجلس وکیل مردم هستند نه آقا بالاسر آنان. باید ببینیم مردم ایران چه مشکلاتی دارند و برای این کار هم نیاز نیست ذره بین دستمان بگیریم.

حجت الاسلام مجید انصاری در نشست خود با جوانان حزب ندای ایرانیان افزود: امروز بعد از ۴۱ سال دچار یاس هستیم که چرا روند دموکراسی و مردم‌سالاری به سمتی رفته است که برخی می‌گویند چرا در انتخابات شرکت کنیم؟

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد: زمانی انتخابات برای مردم حکم نفس کشیدن داشت. آن زمان نظارت استصوابی نبود مردم صاحب خانه بودند و ما خدمتگذار، امروز تایید صلاحیت‌ها مانند یک هدیه شده و جمع زیادی از کاندیدای شایسته رد صلاحیت شده‌اند. انصاری ادامه داد: به شورای نگهبان مراجعه کردم و گفتم شیوه رد صلاحیت افراد دارای اشکال است، لطفاً اگر ایرادی دارند بگویید، گفتم اگر ایرادی دارند رفاقت نکنیم.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب خاطر نشان کرد: در جهت عکس افرادی را می‌بینیم تایید شدند که با شاخص‌ها فاصله دارند.

وی گفت: آسیب به مجلس و دموکراسی باعث شده است افراد به مجلس نیایند تا به آبروی خود جوب حراج نزنند.



انصاری ادامه داد: جناب آقای خاتمی سید اصلاحات و مشاوران شان جلسات متعددی داشتند. گفتند با توجه به شرایط فعلی ۱۱۰ نفر از مجرب‌ها را مشخص کنیم و از جوانان هم بخواهیم وارد صحنه شوند تا ز تهدیدات کشور جلوگیری کنند و در این زمستان سرد که از حوادث آبان و سال‌های گذشته به وجود آمده عبور کنیم. من هم بر همین اساس از مصلحت‌اندیشی آقای خاتمی و بزرگان تمکین کردم.

وی افزود: از جمع ۱۱۰ نفری تنها ۵ نفر ثبت‌نام کردند که تنها من تأیید صلاحیت شدم. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: می‌توانیم بنشینیم یا باقی مانده‌ها حرکت کنند، هیچ سسمی خطرناک‌تر از ناامیدی نیست. لشکر جهل از در ناامیدی وارد می‌شود.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: مردم احساس می‌کنند حضور پای صندوق‌های رای بی‌فایده است ما باید کاری کنیم آنان پای صندوق‌های رای بیایند و یک اقلیت قدرتمند در مجلس حاضر شوند.

وی ادامه داد: انتخابات ۲ اسفند برگزار می‌شود حال ما می‌توانیم افرادی را وارد کنیم که آزادی ما را محدود کنند یا قوانینی به نفع ما تصویب کنند.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: در آن جلسه آقای خاتمی تاکید کردند اگر احزابی کاندید ندارند یاس آفرینی نکنند.

وی ادامه داد: تیم رقیب ۶ ماه است که تمرین می‌کنند و لباس پوشیده در رختکن آماده هستند. انصاری گفت: بر حسب زدن عدم التزام به کاندیدها واقعی نیست. ۹۰ نفر از نمایندگان به خاطر عدم التزام به نظام و اسلام رد صلاحیت شدند این‌ها تا خرداد نماینده مجلس هستند. تکلیف قوانینی که این اشخاص وضع کردند چه می‌شود؟

وی ادامه داد: فلسفه نظارت و اجراء شورای نگهبان با هم آمیخته شده است، باید این موضوع برطرف شود. امروز پذیرفتیم بر گزرای انتخابات بر عهده شورای نگهبان است و وزارت کشور نقش پشتیبان را دارد که این خلاف قانون اساسی است.

انصاری تاکید کرد: اگر با عدم شرکت مشکلات موجود در رد صلاحیت‌ها حل می‌شد من هم می‌گفتم شرکت نکنیم اما اگر شرکت نکنیم روز‌ها بسته می‌شود، وجود یک اقلیت گاهی از یک اکثریت تاثیر گذاری بیشتری دارد. من در ادوار مختلف مجلس این نوع مسائل را دیده‌ام عدم شرکت مشکل را حل نمی‌کند بلکه باعث تشدید مشکلات می‌شود.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: در لیست کارگزاران و احزاب اصلاح‌طلب گفته شده در سرلیستی قرار گرفتم.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: آقایان شورای نگهبان باید راه را برای همه افراد غیر آنان که فساد مالی و اخلاقی داشتند باز می‌کرد، والله، بالله اگر این راه باز می‌شد مشارکت بالای ۶۰ درصد بود که از هر موشک کاری بیشتری داشت.

وی تاکید کرد: تحقیقات این دوره واقعا خنده‌دار شده است، امروز جوان ۲۳ ساله‌ای را می‌فرستند درباره یک روحانی تحقیق کند!

حذف «قید زمان» از قراردادهای کارگری



رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با ابراز تاسف از اینکه امروز ۹۵ درصد کارگران در قالب قرارداد موقت کار می‌کنند، گفت: متأسفانه حتی کارگرانی که در کارهای مستمر مشغول هستند، با قراردادهای موقت یک ماهه تا یک ساله مشغول فعالیت هستند. از همین رو ترکیب مجلس آینده باید به گونه‌ای باشد که با تصویب قوانین لازم، جلو انعقاد قرارداد موقت در کارهای مستمر را بگیرد.

فتح‌الله بیات در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» با اعلام اینکه قرارداد موقت باعث شده امنیت شغلی کارگران زیر سوال برود، گفت: نبود امنیت شغلی از نظر کمی و کیفی بر تولید تاثیر منفی گذاشته است.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با اشاره به سابقه قرارداد موقت گفت: متأسفانه از وقتی که قرارداد موقت جای قرارداد دائم را گرفت، اشتغال و روابط کار با آسیب جدی روبه‌رو شد.

وی با اشاره به اینکه در قالب تفسیر طرح تبصره یک ماده ۷ قانون کار تصمیم به تجدیدنظر در این مورد گرفته شد، گفت: در جلسه‌ای بین نمایندگان کارگر و کارفرما، تصمیم گرفتیم کارهای تا سقف سه سال را کار موقت و از آن زمان بیشتر را کار دائم تعیین کنیم که اکنون یک سال است این پیشنهاد در هیأت دولت خاک می‌خورد.

بیات با اشاره به تبصره ۲ ماده هفت قانون کار گفت: به دلیل اینکه از کارهای مستمر سوءاستفاده می‌شود، حتی در کارخانه‌های بزرگی مانند خودروسازی‌ها و پتروشیمی‌ها که کارگران آنها بالای ۲۰ سال سابقه کار دارند و ماهیت کار آنها دائمی است، قراردادهای کاری زیر یک سال بسته می‌شود که همین امر باعث بی‌اعتمادی کارگران شده است.

وی با تاکید بر اینکه قرارداد موقت به محیط کار آسیب زده است، گفت: ناامنی شغلی باعث شده تا کارگران بین مرگ و زندگی سرگردان باشند، زیرا کارگری که ۱۵ سال سابقه کار دارد، هنگامی که شب کارش را ترک می‌کند، اطمینان ندارد صبح که وارد محیط کار شد، او را به کارگاه راه بدهند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی با انتقاد از اینکه دولت یک کارفرمای بزرگ است، گفت: از آنجا که دولت به عنوان کارفرمای بزرگ در چالش‌های محیط کار نفع یا زیان می‌برد، نمی‌خواهد از کارگران حمایت کند، به همین دلیل با بخش خصوصی هم‌نوا شده و کار موقت را در مشاغل دائم رواج می‌دهد، بنابراین صدای کارگران به جایی نمی‌رسد. وی با ابراز تاسف از اینکه یک بی‌ثباتی و ناامنی در قراردادهای کار وجود دارد، گفت: دولت و مجلس باید عزم ملی داشته باشند تا قرارداد موقت در کارهای مستمر منعقد نشود.

بیات با اشاره به شکایتی که در سال ۷۴ به دیوان عدالت اداری در مورد سوءاستفاده از قراردادهای موقت منعکس شده بود، گفت: طبق دادنامه ۱۷۹ و رای دیوان عدالت که تاکید دارد در کارهای مستمر قرارداد موقت نباشد، این قانون مورد سوءاستفاده کارفرمایان قرار گرفت و باعث شد که قرارداد موقت را در هر حال به مرحله اجرا در آورند. وی از رئیس قوه قضاییه در خواست کرد رای دیوان عدالت را مورد تجدیدنظر قرار دهد و گفت: اگر دیوان عدالت در رای خود تجدیدنظر کند، سوءاستفاده از قرارداد موقت پایان می‌یابد.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی با تاکید بر اینکه قرار نیست کارگران برای سال‌های متمادی استثمار و استعمار شوند، گفت: این چه قانونی است که به کارفرما اجازه می‌دهد بعد از سه ماه قرارداد کارگر را منقضی یا او را اخراج کند، در حالی که به کار او نیاز دارد. وی با اعلام اینکه قرارداد کار به معیشت کارگران گره خورده است، گفت: وقتی کارگر اطمینان ندارد که صبح می‌تواند مشغول به کار شود، انگیزه‌های برای برنامه‌ریزی آینده ندارد و همین امر باعث شده کارگران تمایلی نسبت به تشکیل خانواده نداشته باشند و از این رو تعداد کارگران مجرد طی سال‌های اخیر افزایش داشته است.





جراحی عدم تصویب FATF به روایت عضو کمیسیون امنیت ملی؛

نگاه حاکمیتی به مباحث حقوقی

به صحنه آمدند، ولی بخشی نیز زمینه‌سازی کسانی بود که می‌خواستند در این قضیه یک گوشمالی به دولت بدهند و از دولت انتقام بگیرند. منتها وقتی دیدند که اوضاع به طور کامل دارد از دستشان خارج می‌شود و شعارها تند و ساختار شکنانه شد، کوتاه آمدند.

وی گفت: متأسفانه این روحیه در بین برخی مسئولان و نخبگان سیاسی وجود دارد که حاضرند برای زمین زدن رقیب و جناح مقابل شان، مصالح ملی را به مسلخ ببرند و سر ببرند. ما نیز به دولت آقای روحانی و خیلی از سیاست‌هایشان انتقاد داریم، ولی حاضر نیستیم این انتقاد را به شکل و کیفیتی انجام دهیم که مصالح کشور و ملت زیر سوال برود.

تمام کسانی که با تصویب FATF مخالفت می‌کنند باید مسئولیت مخالفت خود را بپذیرند و شفاف دلایل مخالف خود را به مردم بگویند

نماینده شهر کرد درباره سابقه لوایح چهار گانه گفت: این موضوع سال‌ها قبل از دولت آقای روحانی کلید خورد. در زمان دولت قبل هم این مذاکرات بود ولی در آن زمان کسی به دولت سابق حمله نمی‌کرد که شما چرا دارید وضعیت پولشویی را سر و سامان می‌دهید؟ قانون مصوب را ببینید مربوط به چه زمانی است. قانونی که الان راجع به آن صحبت می‌شود اصلاح قانون قبل است و اصلاً اصلاحیه است. آن زمان چه کسی به دولت آقای احمدی‌نژاد ایراد می‌گرفت که با پولشویی مبارزه نکن؟ هیچ‌کس، حتی منتقدان و مخالفان.

نماینده دهمین دوره مجلس در پاسخ به اینکه برخی

یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، عدم توان کشور در اتخاذ تصمیم واحد در برخی موضوعات کلان را ناشی از آن دانست که در این گونه مسائل فراملی، نگاه‌مان حقوقی نیست و حاکمیتی است که در این نگاه حاکمیتی دورویکرد که یکی منبعث از بی‌اعتمادی مطلق و دیگری منبعث از اعتماد و خوش بینی است، باعث ایجاد تقابل در کشور و عدم امکان ایجاد اجماع می‌شود.

اردشیر نوریان در پاسخ به این پرسش «توسعه ایرانی» که چرا نمی‌توانیم درباره FATF به تصمیمی واحد دست یابیم، گفت: در قانون اساسی پیش‌بینی شده که این قبیل موضوعات باید به صورت طرح یا لایحه به مجلس بیاید تا نمایندگان اعلام‌نظر کنند، سپس شورای نگهبان انطباق مصوبات مجلس با قانون اساسی و شرع را انجام می‌دهد. حال اگر انطباق نداشته باشد آن مصوبه مجدداً باید به مجلس برگردد، اما اگر مجلس به نظر خود اصرار ورزید تکلیف در قانون اساسی مشخص است و به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود.

نماینده شهر کرد گفت: در موضوع FATF با دید حقوقی هیچ بن بست نیست و نداریم و تکلیف همه نهادها از جمله دولت، مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مردم، نظام و حاکمیت روشن است.

وی خاطر نشان کرد: وقتی نگاه ما از دایره مباحث حقوقی بیرون رفته و حاکمیتی می‌شود آنجا دیدگاه تقریباً متفاوت و مقابل داریم. دیدگاهی معتقد است که ما کاملاً باید در چارچوب آنچه که خودمان به عنوان مصلحت نظام و کشور برداشت می‌کنیم، تصمیم بگیریم و نگاهی دیگر که تفسیر موسع‌تری از موضوعات دارد اعتقادش این است که باید در چارچوب قوانین و مقررات داخلی و با تکیه و احترام به قوانین و مقررات بین‌المللی تصمیم بگیریم.

نوریان خاطر نشان کرد: نمی‌توانیم اجماع کنیم چون یکی از این دو دیدگاه تفسیرهای مضیق از مساله دارد و یکی دیدگاه موسع به دنیای خارج. یکی از آن دیدگاه‌ها منبعث از بی‌اعتمادی مطلق و دیگری منبعث از نوعی اعتماد و خوش‌بینی است.

وی گفت: از هر فرد تصمیم گیرنده و حتی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، سوال کنید که آیا ما با پولشویی موافق هستیم، آیا با ترور بسم موافق هستیم، آیا با قاچاق کالا و ارز موافق هستیم و آیا با جرایم فراسازمانی و سازمان یافته منطقه‌ای و فراملی موافقیم، حتماً می‌گویند نه. خوب این لوایح چهار گانه می‌خواهد همین نظرات را تایید کند. نوریان در پاسخ به این پرسش که چرا در دولت قبل که این لوایح آن زمان نیز مطرح بود کسی با به سرانجام رسیدن آن مخالفت نداشت، گفت: آقایان وقتی خودشان در صندلی تصمیم‌گیری قدرت هستند، یک جور با این موضوع برخورد می‌کنند و وقتی در موضع اپوزیسیون دولت قرار می‌گیرند، به نحوی دیگر برخورد می‌کنند. به نظر من در اینجا تنها قربانی منافع ملی کشور است. بخشی از این مخالفت‌ها صرفاً به دلیل تقابل و مخالفت است و متأسفانه با نیت عدم توفیق دولت مستقر است. متأسفانه در کشور هستند عناصری که حاضرند به قیمت زمین خوردن دولت کاری کنند که منافع ملی به خطر بیفتد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: در موضوع بنزین هم بخشی از ناآرامی‌ها دست یخت سرویس‌های امنیتی خارجی و گروه‌های معاند بود که با برنامه

شروط معاهداتی ماست. نوریان در پاسخ به این پرسش که عواقب نپیوستن ایران به لوایح زیر مجموعه FATF در حوزه جابه‌جایی پول چیست؟ گفت: موضوع آقای استراماچونی با استقلال چه بود؟ مگر فدراسیون ورزشی فوتبال و باشگاه استقلال چک آقای استراماچونی را به بانک سپه رم نفرستاد؟ چرا آقای استراماچونی این چک را نقد نکرد؟ چون این کار خلاف قانون و مقررات بین‌المللی پولشویی است و گر نه استراماچونی که از پول بدش نمی‌آمد. مثل این می‌ماند که ما بگوییم تیم فوتبال می‌خواهیم، با تمام دنیا هم می‌خواهیم بازی کنیم و همه را هم می‌خواهیم ببریم و ادعا هم می‌کنیم که تیم اول دنیا هم خواهیم شد و فوتبال مان از همه بهتر است، ولی نمی‌خواهیم عضو فیفا باشیم. مگر می‌شود؟

وی گفت: شما نمی‌توانید عضو FATF نباشید و آن مقررات را نپذیرید و بعد بگویید ما می‌خواهیم از سوی FATF استفاده کنیم، می‌خواهیم مبادلات بین‌المللی داشته باشیم، بانک‌هایمان هم می‌خواهیم در دنیا فعال باشند، سرمایه‌گذارها هم از طریق سیستم بانکی بیایند، گارانتی‌های بانکی هم بدهیم و بگیریم. نمی‌توانیم این کارها را انجام دهیم. اگر ما FATF و مقررات آن را نپذیریم، کشورهای عضو FATF با ما مرادده پولی و بانکی رسمی نمی‌کنند یعنی بانک‌های ما نمی‌توانند در این چارچوب فعالیت کنند. آن موقع این اتفاق می‌افتد که ما هیچ‌گونه مرادده و دادوستد مالی، پولی و بانکی و اعتباری نمی‌توانیم با دنیا انجام دهیم.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: ما در سال حدود ۱۸۰ میلیارد دلار با دنیا تجارت و مبادله داریم. اگر به FATF نپیوندیم نتیجه‌اش این می‌شود که

نمی‌توانیم این مبالغ را از طریق کانال‌های رسمی جابه‌جا کنیم در نتیجه مجبور می‌شویم حداقل ۱۰ درصد هزینه سرباری ریسک، بیمه و هزینه نقل و انتقال را پرداخت کنیم. یعنی تقریباً سالانه باید حدود ۱۸ میلیارد دلار هزینه پرت پرداخت کنیم. آن‌گاه باید با شرکت‌های تراستی و صرافی‌ها کار کنیم یا از طرق غیررسمی پول جابه‌جا کنیم. باید پول را در گونی جابه‌جا کنیم و تجارت چمدانی کنیم و هزار مصیبت دیگر. نتیجه اینها هم بالا رفتن قیمت‌ها و از بین رفتن فرصت‌ها و نیامدن سرمایه‌گذاری به کشور و عدم توانایی دادوستد مالی با دنیا و... است.

وی در پاسخ به این پرسش که پذیرش مسئولیت در بحث FATF چقدر مهم است؟ گفت: ملت از ما پاسخ می‌خواهد. من نماینده مردم هستم و باید پاسخ بدهم که در مورد این موضوعات چه تصمیمی گرفته‌ام. البته موضع بنده که شفاف است و جلو دوربین‌ها ایستادم و گفتم. کسانی که در مورد این مساله تصمیمی می‌گیرند باید هم به ملت در وضع کنونی پاسخ دهند و هم به آینده این کشور پاسخ دهند. پذیرش یا عدم پذیرش این لوایح آثار گسترده حقوقی، مالی، اقتصادی و امنیتی برای جامعه دارد. تمام کسانی که در این موضوع مخالفت می‌کنند باید مسئولیت مخالفت خود را بپذیرند و شفاف به مردم بگویند ما با این موضوع مخالف هستیم و دلایل خود را بگویند.



می‌گویند با پیوستن به لوایح چهار گانه بخشی از اطلاعات محرمانه کشور در اختیار بیگانگان قرار می‌گیرد، گفت: توصیه می‌کنیم متن FATF و رژیم‌های بین‌المللی و امنیتی و حقوقی را بخوانند که آنجا نحوه گزارش دهی روشن است. الان کشورهایی هستند که نسبت به FATF حق شرط گذاشته‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۲ وین که درباره حقوق معاهدات بود، تکالیف را روشن کرده و می‌گوید اگر کشوری شرط گذاشت و با شرط به کنوانسیون ملحق شد این شرط در مورد آن کشور ساری و جاری نیست. خیلی از حرف‌ها حقوقی نیست و فقط ابعاد سیاسی برای مخالفت دارد.

وی عنوان کرد: ما در مقدمه الحاق به کنوانسیون شرط آورده‌ایم و به یک قطعنامه سازمان ملل متحد اشاره کرده‌ایم که آن قطعنامه صریحاً به عنوان یک قاعده آمره پذیرفته شده بین‌المللی اعلام می‌کند که هر جا گروه‌هایی برای حق تعیین سرنوشت و مبارزه با اشغال خارجی مبارزه می‌کنند، تروریست نیستند و ما جهاد اسلامی، حماس و حزب‌الله را از مصادیق آن می‌دانیم، در نتیجه اینها را تروریست نمی‌دانیم. نماینده شهر کرد گفت: وقتی ما آنها را تروریست نمی‌دانیم و آنها را مقید به تعریف شورای عالی امنیت ملی می‌کنیم، اساساً در مورد اینها هیچ اطلاعاتی به کسی نمی‌دهیم. اینها جزو

ذوالقدر با اشاره به حساسیت انتخابات پیش‌رو:

باید تنش‌های سیاسی و امنیتی را کم کنیم

موثر برای پرداخت حقوق معوق کارگران بنگاه‌ها، اقدام خوبی است.

وی از سازمان برنامه و بودجه کشور خواست اعتباری برای این معضل در نظر بگیرد و گفت: تامین اعتبار به صورت تسهیلات یا وام بلاعوض می‌تواند در کاهش نگرانی و تنش‌های کارگری نقش موثری داشته باشد. عضو فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی از مکاتبه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با رئیس سازمان برنامه و بودجه خبر داد و گفت: در این مکاتبه درخواست تخصیص یارانه به میزان ۳۵۰ میلیارد ریال برای پرداخت وام به کارفرمایان با نرخ بهره ۱۲ و ۱۴ درصد شده که انتظار می‌رود با موافقت و تخصیص این مبلغ تا حدودی التهابات ناشی از مشکلات بنگاه‌های اقتصادی در خصوص حقوق معوق کارگران کاهش یابد. ذوالقدر، تامین یارانه تسهیلات به واحدهای مشکل‌دار و بحرانی جهت پرداخت حقوق معوقه کارگران از سوی سازمان برنامه و بودجه در شرایط کنونی را الزامی دانست و گفت: کل تسهیلات مورد نیاز ۴۵۰ میلیارد تومان است که یارانه آن ۳۵۰ میلیارد تومان خواهد بود. وی در خصوص منابع این تسهیلات گفت: در صورت تأمین یارانه، بانک‌های توسعه و تعاون و رفاه کارگران می‌توانند ۴۵۰ میلیارد تومان را از منابع خود پرداخت کنند.



هستیم که توان تامین هزینه‌های خود و اعضای خانواده‌شان را از دست می‌دهند. به گفته وی، شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ناشی از تحریم‌های ظالمانه است و در نتیجه این تحریم‌ها، روزبه‌روز بر مشکلات بنگاه‌های اقتصادی افزوده می‌شود.

وی با ابراز تاسف از اینکه شرایط بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی، بحرانی شده است، گفت: کمبود نقدینگی از یک سو و ناتوانی در تامین مواد اولیه از سوی دیگر موجب شده تا کارفرمایان در اداره بنگاه‌ها دچار مشکل شوند و اولین چالش، بحران در تامین و پرداخت حقوق ماهیانه کارگران است. نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی ماه‌هاست حقوق معوقه کارگری دارند، گفت: این مشکل از سال‌ها قبل توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال پیگیری بوده و هست. وی با اشاره به نزدیک شدن به ایام پایان سال و مشکلات معیشتی کارگران گفت: ناتوانی کارفرمایان در پرداخت حقوق و عیدی پایان سال و دیگر مزایای کارگران بیش از پیش نگران‌کننده است و باید برای این مهم به سرعت چاره‌اندیشی شود.

ذوالقدر با تأکید بر اینکه باید راهکاری برای حل این معضل اندیشیده شود، گفت: تعریف یارانه تسهیلات برای واحدهای مشکل‌دار و بحرانی به عنوان ابزار



عضو فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه امروزه در برهه حساسی از نظر سیاسی و امنیتی قرار داریم، گفت: انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز بر این حساسیت افزوده است. در این شرایط باید راهکاری موثر برای کاهش تنش‌ها اندیشیده شود. سیده فاطمه ذوالقدر در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» با ابراز نگرانی از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و بحرانی‌های ناشی از آن گفت: از یک سو نگران تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی هستیم که در صف مقدم مبارزه با تحریم‌ها هستند و از سوی دیگر نگران بیکار شدن کارگرانی

بازنشستگان برای رفتن به پای صندوق مختار هستند؛ اما...

اجرای همسان‌سازی امید زیادی داشته باشند ولی قرار شده دولت برخی از شرکت‌های خود را به تامین اجتماعی واگذار کند یا پس از فروش، مبلغ آن را به تامین اجتماعی بدهد تا همسان‌سازی اجرایی شود. همچنین یکی از جدی‌ترین مشکلات تامین اجتماعی، سوءمدیریت دولتمردان است.

وقتی نمایندگان مجلس ۲۶ قانون را تصویب و دولت را مکلف کرده‌اند که بخشی از سهم حق بیمه کارگر را بپردازد، چرا دولت به تعهد خودش عمل نمی‌کند چون در قالب این ۲۶ قانون، باید ماهیانه ۳۲۰۰ میلیارد تومان به تامین اجتماعی بپردازد، اما پرداخت نمی‌کند.

در پایان باید گفت مافقط در تهران ۶۰۰ هزار بازنشسته داریم که ۱۷۰ هزار نفر از آنها کارت عضویت قانون را دارند. باید بدانیم که ما نمی‌توانیم دو نماینده کارگری در مجلس داشته و از این دو نفر انتظار داشته باشیم نظرات و مشکلات جامعه کارگری را به ۲۸۸ نماینده دیگر تفهیم کنند.



علی دهقان کیا

رئیس کانون بازنشستگان تهران

در آستانه انتخابات مجلس هستیم. بازنشستگان رای بدهند یا ندهند، مملکت بدون مجلس نمی‌ماند. البته بازنشستگان برای رفتن پای صندوق مستقل هستند؛ اما این را بدانند که برخی نمایندگان مجلس با کارگران و بازنشستگان همراه و در کنار نمایندگان بازنشستگان بوده‌اند و اکنون که زمان انتخابات است، باید مادر کنار آنها باشیم و به آنها رای بدهیم.

ما یک روز می‌خواهیم رای بدهیم و چهار سال آرامش داشته باشیم. اگر درست انتخاب نکنیم، تاوان آن را در سال‌های آینده خواهیم پرداخت. از این رو با برخی نامزدهای انتخابات مجلس وارد مذاکره شده‌ایم و از آنها قول گرفته‌ایم که اگر نماینده دوره یازدهم مجلس شدند، باید همسان‌سازی حل، بدهی دولت به تامین اجتماعی پرداخت و اصلاح ساختار انجام شود. اگر این سه مورد انجام شود، وضعیت تامین اجتماعی و بازنشستگان بهبود می‌یابد.

در حال حاضر ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار بازنشسته داریم که تامین اجتماعی علاوه بر حقوق، باید هزینه درمان آنها را نیز تامین کند. بنابراین آینده این سازمان به بازنشستگان گره خورده و هنگامی که رگ حیات ما به تامین اجتماعی وابسته است، باید دنبال منافع این سازمان برویم.

تجربه نشان داده است که مدیران سازمان دنبال مطالبات تامین اجتماعی نمی‌روند. از زمانی که مدیریت تامین اجتماعی دست دولت افتاد، سال به سال وضعیت خراب‌تر شده است و به همین دلیل دنبال اصلاح ساختار هستیم تا شرایط را به قبل از سال ۸۳ بازگردانیم.

در این بین، مجلس به مشکلات تامین اجتماعی بی‌اعتناست. مثلاً در مورد طلب سازمان از دولت، متوجه شدیم که در لایحه بودجه تامین اجتماعی رانده‌اند. پس از مراجعات فراوانی که هیات مدیره کانون تهران به مجلس داشت و مذاکراتی که با نمایندگان کردیم، قرار شد ۵۰ هزار میلیارد تومان از طلب تامین اجتماعی پرداخت شود تا بخشی از آن به اجرای همسان‌سازی اختصاص داده شود. البته بازنشستگان نباید به





علیر ضامحجوب



ہیلا جلو دارزادہ



زہرا ااعے



محمد رضا بادامچے

خانہ کارگر